

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۲
جمعه ۱۵ مرداد ۱۴۰۰ - ۶ اوت ۲۰۲۱

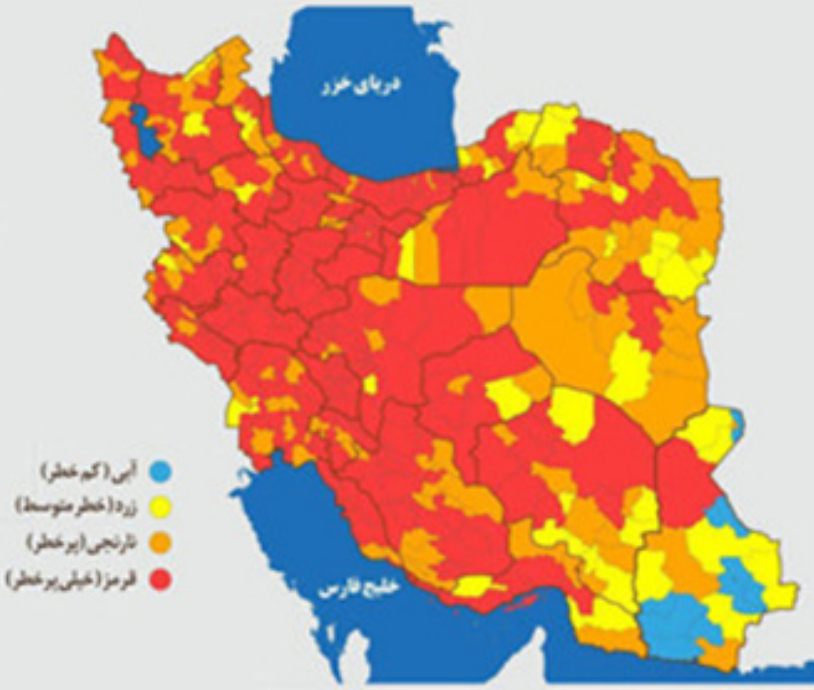
فاجعه کرونا در ایران نتیجه فاجعه حاکمیت اسلامی است دسترسی به واکسن رایگان و معتبر حق تک تک شهروندان است

کرونا یک اپیدمی جهانی است و اکنون در بسیاری از کشورهای جهان به درجه زیادی مهار شده است. اما در ایران تحت حکومت اسلامی همچنان در حال گسترش است و دارد بیداد میکند. این حکومت خود عامل شیوع کرونا و گسترش آن است و با سیاستهای کثیف و ضد انسانی خود هر روز صدها نفر از مردم را به قتلگاه کرونا میفرستد. خامنه ای خرید واکسن های معتبر را ممنوع کرد و کل حکومت پلید اسلامی به این فرمان جنایتکارانه گردن گذاشت تا مردم بیشتری جان بدهند. اگر به موقع واکسن معتبر وارد کرده بودند و در اختیار مردم قرار می دادند امروز تعداد تلفات مردم چند برابر کاهش یافته بود. برای همه مردم روشن است که رسماً و یکجا خامنه ای و کل حکومت مسئول قتل هزاران نفر از مردم بیگناه هستند.

نایب گذاشت کشتار عزیزان مردم ادامه پیدا کند. باید همه جا و همگی دست به اعتراض بزنیم و به عنوان یک خواست فوری خواهان تامین واکسن معتبر، رایگان برای تک تک شهروندان شویم. کارگران هفت تپه، بازنشستگان و تشکل های مختلف کارگران و معلمان بارها پرچم این خواست را بلند کرده اند. با آنها همراه شویم و همه جا برای تسلیم حکومت به این خواست بحق خود اعتراض کنیم. کارگران و معلمان، دانشجویان و بازنشستگان و کلیه تشکل های مردمی، هنرمندان و ورزشکاران، نویسندگان و روزنامه نگاران و وکلا، خانواده های دادخواه و همه مردم موقعیت مناسبی است که اعتراضات خود را گسترش دهند و مفتخوران و جنایت پیشگان حاکم را وادار کنند که به این خواست جامعه فوراً گردن بگذارد. حکومت در اوج استیصال و بحران است، باید همه جا اعتراض را گسترش دهیم و جنایتکاران را گام به گام عقب برانیم.

جرائم حکومت اما بسیار بیشتر از این است. خودشان می گویند بسیاری از بیماران مبتلا به کرونا بدلیل کمبود امکانات دارویی و تجهیزات و کمبودهای دیگر جان میدهند. و به اینها باید مراسم های مذهبی و توصیه های ضد علمی و کثیف حکومت و آیت الله ها را اضافه کرد. باید پنهانکاری ها و عدم پیشگیری های اولیه و رها کردن مردم فقیر و بی تامین و اجبار آنها به تن دادن به کارهایی

جنایت پشت جنایت.



و این گوشه ای از کارنامه حکومت اسلامی علیه مردم است

در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

- ۱ فاجعه کرونا در ایران نتیجه فاجعه حاکمیت اسلامی است
- ۲ برگزاری مجمع عمومی کارگران نفت یگ گام مهم به پیش. شهلا دانشفر
- ۳ و ۴ سرود "ای ایران ای مرز پرگهر" فاشیستی است! محسن ابراهیمی
- ۵ کرونا، سرمایه داری و اخلاق. شهاب بهرامی
- ۶ بازتاب آتش سوزی ها در ترکیه. عبدال گلپریان
- ۷ عباس عابدی و بحران نظام. سیاوش مدرسی
- ۷ سوراخ موش های جمهوری اسلامی. ناصر اصغری
- ۸ په مو حقه از کی بگیرم؟ هدا کریمی صدر
- ۹ و ۱۰ پادگست اندیشه و سیاست: آیا کمونیسم شکست خورد؟ کاظم نیکخواه
- ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اطلاعیه های حزب

سه شنبه، ۱۹ مرداد، ۱۰ اوت، **ضمیمه انترناسیونال ۹۳۲** منتشر می شود

تجربه چین، روسیه و کوبا: آیا تامین رفاه با آزادی در تناقض است؟

گفتگوی کانال جدید با حمید تقوائی

سازماندهی در دل اعتراضات جاری

گفتگوی کانال جدید با شهلا دانشفر و اصغر کریمی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

برگزاری مجمع عمومی کارگران نفت یگ گام مهم به پیش



شهلا دانشفر

شعارهای سرنگونی طلبانه به کف خیابان کشیده شده است، روند حرکت پرشتاب جامعه بسوی اعتصابات سراسری به عنوان حلقه مکمل اعتراضات در کف خیابان است.

در نتیجه با توجه به اینکه اولاً امروز در جایی مثل صنعت نفت که در طول حاکمیت این رژیم چپاولگاه حکومت بوده و با حضور چند ده هزار حراستی ها و نیروی امنیتی به یک دژ نفوذ ناپذیر امنیتی تبدیل شده بود، کارگران با بدست گرفتن ابزار شورای سازماندهی اعتراضات خود و با حرکت بسوی ایجاد مجامع عمومی کارگری و برپایی آن در جاهای مختلف و در جایی مثل چهارمحال و بختیاری در سطح یک استان سازمان یافته و قدرتمند به میدان می آیند. ثانیاً بخش دیگر کارگران یعنی کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به تصمیم گیری شورایی پنج سال است

که با کل ساختارهای سیاسی، اقتصادی حاکم نبردی جانانه را به پیش برده و امروز همصدا با مردم خوزستان دادخواه اند و از مطالباتشان کوتاه نمی آیند. و بالاخره هنگامیکه جامعه هر روز متحدتر با خواستهایی سراسری تر و متحد کننده به جلو گام بر میدارد و صف خود را سازمان میدهد و از رفع تبعیض و نابرابری و داشتن یک زندگی انسانی سخن میگوید، در این شرایط و با توجه به همه اینها کارگر با برافراشته تر کردن پرچم شوراها و با اعمال اراده مستقیم خود با اتکاء به تصمیم گیری شورایی در مجامع عمومی اش میروند که به کل این بساط بردگی و توحش سرمایه داری حاکم پایان دهد. اینها همه نوید بخش انقلابی انسانی در چشم انداز نزدیک جامعه است.

و در فضای باز نشستند، تریبون سخنرانی شان را به پا کردند و مقابل چشمان حکومتی که در آن اعتصاب، تجمع و تشکل جرم است، جمع شدند و بر سر مشکلات و مصائبشان به بحث نشستند و تصمیم به ادامه اعتصاب گرفتند. این الگو را باید و میتوان در همه جا تکثیر کرد. به همین شکل در همه جا کارگران و مردم معترض میتوانند جمع شوند و شورایی تصمیم بگیرند و صف اعتراضاتشان را سازمان دهند. و خوشبختانه زمینه انجام چنین کاری امروز بیش از هر وقت عملی است. چون امروز کارگران در تمام مراکز نفتی و در کل جامعه مطالبه کردند. و امروز کارگر به کل بساط توحش و بردگی حاکم اعتراض دارد و فریاد اعتراضی در راهپیمایی چند روزه کارگران نیشکر هفت تپه با شعار کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد طنین انداز شده است.

بدین ترتیب تشکیل مجمع عمومی کارگران اعتصابی نفت در هفشجان دایره تاثیر گذاری اش تنها محدود به کارگران شاغل در نفت نیست، بلکه این اقدام تلاطمی های به میدان آمدن خیل عظیم کارگران در تمام مراکز کارگری با خواستهها و مطالباتشان و با قدرت مجمع عمومی و اعمال اراده مستقیمشان است.

ما قبلاً تأکید کردیم که اعتصاب دهها هزار کارگر نفت در سطح سراسری، در کنار اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه به عنوان یک کانون داغ اعتراضی، در کنار تحركات گسترده در میان بخش های مختلف کارگری و در دل شرایطی که خیزش های مردمی هر روز از این شهر و آن شهر سر بلند میکند و بار دیگر

مبارزاتشان به نمایش گذاشت. باید از این تجربه آموخت و آنرا به الگویی برای سازمان یابی در سطح سراسری قرار داد و این دست فعالین و رهبران کارگری و اجتماعی را میبوسد که رهبران چنین حرکتی در جنبش کارگری و در سطح جامعه باشند.

بدین ترتیب اگر همین امروز هزاران کارگر نفت که در اعتصاب بسر میبرند و یا حتی آن بخش هایی که بر سر کارند، به همین شکل جمع شوند، بر سر خواستهها و مطالباتشان متحد شوند، نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند تا هر کجا که نیازی به مذاکره ای بود بتوانند اراده خود را اعمال کنند و خودشان در مورد چگونگی ادامه اعتراضاتشان مستقیماً تصمیم گیری کنند، بدون شک با قدرت بیشتری خواهند توانست مبارزاتشان را به جلو ببرند و خواستههای اساسی شان را به کرسی بنشانند. تصورش را بکنید که اگر با اتکاء به چنین قدرتی همه کارگران نفت در مجامع عمومی شان با هم یک صدا فریاد بزنند و بگویند که دست پیمانکاران چپاولگر از محیط های کار کوتاه، قوانین برده وار ویژه اقتصادی ملغا و پیگیر همه مطالباتشان بشوند، چه اتفاق مهمی در مبارزات کارگران نفت و نه تنها این بلکه در کل جامعه میتواند رخ دهد!

نکته مهم و شورانگیز اینست که کارگران اعتصابی نفت در استان چهارمحال و بختیاری، ممکن بودن ایجاد مجامع عمومی، و کارایی این ابزار اعمال اراده مستقیم کارگری و مردمی را به سادگی نشان دادند. به این معنا که در هفشجان کارگران اعتصابی چند شهر گرد آمدند

داشتند. و این یک نمایش قدرت بود که تأثیرات بسیاری در فضای مبارزاتی کارگران نفت و در امر سازمانیابی توده ای در کل ایران به بار خواهد آورد.

این اقدام همچنین پاسخ محکمی بود به طرح نظرخواهی گروههای مدیریتی پایینگ برای خاتمه دادن به اعتصاب بدون اینکه کارگران جوابی گرفته باشند. برپایی این مجمع عمومی نشان داد که تنها راه کنار زدن تشیبات تفرقه افکنانه برای کشاندن مبارزات بدنال این بخش و آن بخش حکومت و یا زدن رنگ قومی و مذهبی به مبارزه و مهار کردن اعتراضات در چهارچوب ساختارهای حاکم که خود موضوع اعتراض کارگران است، اعمال اراده مستقیم خود آنان و دخالتگری حداکثری شان است.

این اتفاقات و بطور ویژه شکل گرفتن مجمع عمومی بزرگ کارگران اعتصابی پیمانی ساکن در چند شهر استان چهارمحال و بختیاری در هفشجان، در عین حال درجه بالایی از آگاهی و سازمان یافتگی مبارزات هزاران کارگر اعتصابی نفت را به نمایش میگذارد و میتواند الگویی سراسری برای تمامی مراکز نفتی و برای همه کارگران در تمامی مراکز کارگری و محیط های کار در سطح جامعه باشد.

روی آوری کارگران اعتصابی نفت به برپایی مجمع عمومی آنها در سطح یک استان و آنچه در این مجمع گذشت بیش از پیش کارایی و جایگاه مهم مجمع عمومی کارگری را به عنوان محلی برای تصمیم گیری جمعی و شورایی و نیز به عنوان مکانی برای حفظ اتحاد و همبستگی کارگران در تداوم قدرتمند

برگزاری مجمع عمومی از سوی کارگران اعتصابی پیمانی نفت ساکن استان چهار محال و بختیاری در این هفته و تأکید بر ادامه اعتصاب از سوی این کارگران تارسیدن به مطالباتشان یک گام سیاسی مهم از جانب این کارگران و یک رویداد مهم دیگر در صنعت نفت و در کل جنبش کارگری است.

واقعیت اینست که یک نقطه برجسته اعتصاب امسال کارگران پیمانی نفت سربلند کردن شورای سازماندهی اعتراضات این کارگران بود. در ادامه آن براه افتادن حرکتی برای برپایی مجمع عمومی در چندین نقطه و ارتقاء آن در سطح مجمع عمومی کارگران ساکن در چند شهر در یک استان نشانگر آگاهی عمیق این کارگران و حرکت آنها بسوی سازمان یابی شورایی و اعمال اراده مستقیم خود از طریق مجامع عمومی است. و این اتفاقی است که در یک مرکز کلیدی کارگری با هزاران کارگر دارد روی میدهد که به نوبه خود حرکتی نوین در جنبش کارگری و یک پیشروی بزرگ است.

مجمع عمومی بزرگ کارگران اعتصابی پیمانی نفت در دهم مرداد ماه در شهرستان هفشجان برگزار شد و در آن جمعیت بزرگی از کارگران اعتصابی از شهرهای مختلف این منطقه گرد آمده بودند و از خواستهها و مطالباتشان سخن گفتند و یک موضوع مهم بحث آنها در این نشست عدم کفاف سطح دستمزدها نسبت به رشد هر روزه تورم و بالا رفتن قیمت ها بود. در این تجمع کارگران عزم راسخ خود را برای ادامه اعتصابشان تا رسیدن به خواستهها و مطالباتشان اعلام

سرود "ای ایران ای مرز پرگهر" فاشیستی است!



محسن ابراهیمی

ترجیع بند همه سرودهای فاشیستی: خاک همه چیز، انسان هیچ چیز!

خاک و البته خون به عنوان دوقلوی همیشگی در ادبیات ناسیونال-فاشیستی همه کشورها در همه اعصار مقدس ترین مقدسات است. ناسیونالیسم ۳۰۰ سال پیش با ناسیونالیسم قرن بیست و یک، ناسیونالیسم آلمان نازی با ناسیونالیسم ایرانی و روسی و هندی در این مورد فرقی ندارند. خاک و خون باهم و در کنار هم باید آنچنان فضای حماسی بوجود بیاورند که شهروندان آن خاک حاضر شوند خون مردمان خاکهای دیگر را بریزند، خون خودشان را به خاطر خاک خود نثار کنند حتی اگر در آن خاک جز رقت و حقارت و بی حقوقی سهمشان نباشد. خلاصه خون بدهند و خون بریزند، اما چیزی که این وسط مهم نیست و نباید باشد این است که خود آدمیزاده در آن خاک چگونه زندگی میکند. آن خاک برای آن انسان چه دارد و چه ندارد!

شگفت آور نیست که یک تحقیق مقایسه ای در باره ناسیونالیسمهای دوآتشه همه کشورها و خونهایی که به نام خاک ریخته اند نشان میدهد که در سرودهایشان یک مضمون و یک پیام و یک احساس را به زبانهای مختلف بیان شده است. فقط به عنوان چند مثال، یک بند سرود ملی ایتالیای فاشیست این است: "برای مرگ آماده ایم، برای مرگ آماده ایم، ایتالیا ما را فرا خوانده، بیایید تا هم جوخه شویم، آماده ایم برای مردن، برای مرگ آماده ایم، ایتالیا ما را فرا خوانده است!" در سرود ملی ترکیه این عبارات را می بینیم: تا زمانی که آخرین اجاق آتشین بر فراز کشورم روشن است، آن ستاره ملت من است که خواهد درخشید، آن تنها متعلق به من و ملت من است! "در سرود ملی "ارض الفراتین" عراق دوران صدام حسین هم این خاک سرزمین دجله و فرات است که مقدس

است مستقل از اینکه صدام و آدمکشانش چه بر سر ساکنین آن خاک می آوردند.

غم انگیز است اما در همان جمهوری اسلامی که جوانان مین ها میفرستادند، آقازاده های خاک پرست یعنی همان "برادران قاچاقچی" کرور کرور از خاکهای معدنی و زراعی و حتی خاک معمولی را از استانهای جنوبی در قبال پولهای هنگفتی برای شیوخ قطر و امارات قاچاق میکردند که امروز با آن خاکها شهرها و جزایر جدید مصنوعی ساخته شده اند.

همیشه اینطور بوده است. کشته شدن همراه با سرودهای حماسی فاشیستی نصیب توده های محروم بوده است و ثروت و مکتبی که در همان خاک اتفاقا توسط همان توده های محروم و کارگر خلق شده اند نصیب طبقات دارا و حاکم.

محتوای مشخص سرود ای ایران!

انسان مهر می ورزد. انسان عشق میورزد. ناسیونالیسم - مثل دین - این زیباترین توانایی بشری را به نیرویی مخرب علیه خود همین بشر تبدیل میکند. فقط کافیس ناسیونالیسم بتواند احساس و عواطف انسانی را به عشقی کور به خاک و پرچم، نفرتی کور به بیگانه، یعنی همان همون انسان در خاکی دیگر تبدیل کند تا غم انگیزترین تراژدی های انسانی خلق شوند. سرودهای ناسیونالیستی-فاشیستی در این میان همیشه نقش مهمی ایفا کرده اند.

بیایید کمی روی سرود ای ایران دقیق شویم و ببینیم چطور در این سرود همه چیز هست جز خود انسان، جز احترام به انسان، جز منزلت انسانی.

مطلع سرود این است: "ای ایران ای مرز پر گهر، ای

خاکت سرچشمه هنر!" مطالعه که با این دو بیت تکمیل میشود: "سنگ کوهت در و گوهر است، خاک دشتت بهتر از زر است!"

یک لحظه از معانی استعاره ای عبارات این سرود صرف نظر کنیم. حتی معنای واقعی این کلمات هم ربطی به واقعیات ندارد و سرشار از دروغ و دغل و فریب است. یک چهارم حاصلخیزترین خاک کره زمین در اوکراین است که نازیهای خاکپرست کرور کرور به آلمان منتقل میکردند. بزرگترین معادن الماس جهان که یکی از مواد معدنی در کتگوری گوهر است، در روسیه و آفریقای جنوبی و استرالیای غربی واقع شده اند. معلوم نیست خاک دشت ایران هم که پر از کویر است چرا باید بهتر از زر تلقی شود.

بیت دوم یعنی "ای خاکت سرچشمه هنر" که بیان دیگری است از "هنر نزد ایرانیان است و بس"، اوج خودخواهی و خودشیفتگی خاک پرستانه و ناسیونالیستی برتری طلبانه و نژادپرستانه است. ایران هم مثل همه کشورها و همه گوشه های این کره خاکی حتما هم سرچشمه هنر بوده است و هم بستر شکل گیری و تکوین انواع ایدئولوژی ها و خرافات و عقاید عقب مانده و ابلهانه و صد البته هیولاهای هنرکشی مثل جمهوری اسلامی. آیت الله هایی که هر چه از هنر و فرهنگ و تمدن پیشرو بشری است را به تباهی کشانده اند؛ آیت الله هایی که همه معیارها و موازین انسانی را لگدمال کرده اند، محصول همین "سرچشمه هنر" هستند. این را هم فراموش نکنیم که خیلی از غولهای هنری مثل داوینچی و ونوگ و پیکاسو و چاپلین و بتهون و موتزارت و مارلون براندو و آل پاچینو و خیل عظیمی از هنرمندان تاثیر گذار در تاریخ بشریت متعلق به خاکهای دیگری هستند و البته آثار هنری ماندگارشان نصیب همه انسانهای کره خاکی شده است.

در سرود "ای ایران"، خودشیفتگی ناسیونالیستی در باره "مرز پرگهر و سرچشمه هنر" حد و مرزی ندارد. نارسیسیسم بیمارگونه در این سرود خاک را پرستش میکند تا با بیت "ایران ای خرم بهشت من، روشن از تو سرنوشت من"، سرنوشت شهروندان یک کشور را به نیرویی خارج از خود این انسانها، به خاک گره بزند و بعد با بیت "تا گردش جهان و دور آسمان بیاست، نور ایزدی همیشه رهنمای ماست"، "خاک پر گهر" را به آسمان و خدا وصل کند که تقدس خاک و مرز با یک هاله مذهبی تکمیل شود.

مرز که پر گهر باشد، خاکی که بهتر از زر باشد، سرچشمه هنر باشد و دست آخر نور ایزدی هم همیشه راهنمایش باشد، واقعا نباید در قلمرو مقدس ترین مقدسها جای گیرد؟ در راه چنین موجود مقدسی است که سرود "ای ایران" با کلمات پایانی "در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما" فراخوان کشتن و کشته شدن میدهد!

شاید گفته شود این کلمات جلوه ای از یک وطن دوستی عاطفی است. تعلق خاطر به کشور و محل زندگی است. تعلق خاطر و علاقه به کشور و محل تولد و محل زندگی و تحصیل و غیره وجهی پایدار از عواطف همه انسانهاست. انسان با خاطره زندگی میکند و جایی که انسان کودکی و نوجوانی و جوانی و سالهای عمرش را گذرانده همه این خاطرات را تداعی میکند. کلماتی که جاهایی حتی حاکی از یک برتری طلبی نژادپرستانه است چه ربطی به رابطه انسان با خاطراتش و جغرافیای آن خاطرات دارد؟

طنزی دلنشین در این اتفاق نهفته است که فریدون فرهی، خواننده ای که ترانه محبوب "گل کو، گلاب کو" از آثار شناخته شده اوست، ابیاتی

ادامه از صفحه ۳

از سرود متعلق به "گل گلاب" را بازنویسی کرده و خودش هم اجرا کرده است که بسیار شنیدنی است. در بازنویسی او این عبارات برجسته هستند: "دشمن تو آشکار و در همین سراسر... آزادی بهتر از گوهر است، کی در تو انسان برابر است... خود برتر از دیگران مبین، خاکت مثل خاک دیگر است". فریدون فرهی در توضیح بازنویسی این سرود خاک و خون محور با نگاهی انسان محور و پیشرو و انسانی در مصاحبه‌ای گفته است که اثر جدیدش "پاسخ انسانیت مترقی است به این فرهنگ عقب‌افتاده ناسیونالیستی و ارتجاعی که ده‌ها سال است توسط راست سیاسی ایران به مردم تلقین می‌شود" و استنتاج کرده است که "این زمین و خاک و ایدئولوژی‌ها و دولت‌ها هستند که باید فدای انسان‌ها شوند."

جمهوری اسلامی و سرود "ای ایران!"

با کمی وقت گذاشتن و سرچ کردن در سایتهای جمهوری اسلامی متوجه میشوید که مدتهاست رسانه های این حکومت در مدح و ثنای سرود "ای ایران" پای همدیگر را لگد میکنند. خبرگزاری فارس احساس غرورش نسبت به این سرود را خطاب به خوانندگان این چنین توصیف میکند: "شاید شما هم هر بار با شنیدن سرود "ای ایران" ای مرز پرگهر"، احساس غرور کرده اید و نیرویی حماسی، سراپای وجودتان را در بر گرفته باشد. در سایت صدا و سیما جمهوری اسلامی سرود "ای ایران" اینچنین توصیف میشود که "سرودهای حماسی ملی و ماندگار قادرند جامعه را ترغیب و تشویق به اتحاد و دفاع از هویت تاریخی و سیاسی نمایند." افتخار ثبت ملی سرود ای ایران هم که نصیب دولت حسن روحانی شد که نقش مستقیم در گسیل جوانان به کام مرگ به نام اسلام و وطن و خاک و سرزمین داشته است.

برای جمهوری اسلامی که قرار بود برای امت اسلام در تمام دنیا ولایت فقیه اسلامی راه

بیاندازد، چرا سرود "ای ایران" آنقدر اهمیت پیدا میکند که در شبکه های تبلیغاتی برای مدح و ثنا راه میاندازد؟ مگر این سرود محصولی از دوران "طاغوت" نیست؟ مگر این سرود در نظام سلطنتی آنقدر ارج و قرب نداشت که هر روز صبح از رادیوی سراسری پخش میشد؟

در جمهوری اسلامی از لحظه ای که معلوم شد ایدئولوژی اسلامی نه تنها کمکی به بقایش نمیکند بلکه به مشکلی برای بقایش تبدیل شده است، توسل به ایدئولوژی ناسیونالیستی در دستور قرار گرفت. احمدی نژاد و حلقه اش در این مورد پیشتاز شدند. ماجرای حضور احمدی نژاد در کنار مقبره کوروش در کنار سربازانی با قیافه و لباس سربازان کوروش و چفیه انداختن بر گردن آنها و آوردن لوح کوروش از موزه لندن و چرخاندنش با سلام و صلوات در ایران را حتما همه به خاطر دارید. وقتی اینها را در کنار ماجرای غوغا بر سر نام خلیج در مجله نشنال جئوگرافیک میگذارید که در جریان آن سلطنت طلبان و آیت الله ها باهم اشک ریختند و باهم وعده فداکاری تا پای جان را دادند، معلوم میشود که تقدس "خاک و خون" خاصیت مشترکی برای نظامی که سقوط کرد و نظامی که به جایش نشست دارد. خاک و میهن و ملت و مرز و غیره برای هر دو نظام ابزارهای تبلیغی هستند که به نام آنها منافع طبقه حاکم و سرمایه دار را به عنوان منافع همه جا بزنند.

سرود "ای ایران" دوشادوش "حیدر حیدر!"

چند سال پیش، بعد از خیر آزار جنسی دو زائر جوان ایرانی در فرودگاه جده توسط شرطه های عربستان، صدا و سیما در حماسه سازی از "وطن و ناموس وطن شیعی در مقابل عربهای سنی وهابی" سنگ تمام میگذارد. همان صدا و سیمایی که ۴۲ سال است سخنگوی تبلیغاتی آیت الله های حاکم بوده که تجاوز به دختران زندانی را

سازمان داده اند. تجمعی در مقابل سفارت عربستان راه میاندازد که در آن عده ای با پرچم ایران و سرود "ای ایران" ای مرز پر گهر" در کنار عده ای دیگر با پرچم سبز "یا امیرالمومنین" و نعره "حیدر حیدر" از "ناموس هموطن شیعی در مقابل تجاوز عرب سنی" دفاع میکنند!

همین طیف در شبکه های اجتماعی با عباراتی مثل اعراب ملخ خور و سوسمار خور بازار استهزا و توهین به عربها را راه می اندازند. همزمان در میان همین طیف آهنگ تماما فاشیستی "عرب کش" بهزاد پکس به اشتراک گذاشته میشود که در آن خواننده دست به دامن کوروش میشود که "کوروش بلند شو که وطن بوی تجاوز میدهد ... گریه وحشیه دنیا رو ببین که حرفشه همه جا، قاسم سلیمانی داره که یه ارتشه همه جا" و "اینجا ایرانه احق بوی خون میده خاکش، اینجا سپاه کوروشه نه گروهک داعش، سر خاکش میجنگیم پس تا هر زمانی بگیم... قسم به خلیج فارس اسمتو از دم میبریم، کنار قبر کوروش همه رو گردن میزنیم... اسم ایرانمو نیار بکن شتر سوارینو، شبری که با غرزش دنیا رو عقب برد، تو مُخت فرو کن اسمش ایرانه ملخ خور،... اینجا از این به بعد به من میگن عرب کش ..."

این اتفاق بسیار سمبلیک است. حقیقتی را بیان میکند. آن چه انگیزه و چه فضای فکری و روحی مشترک است که کوروش و قاسم سلیمانی و سرود ای ایران و حیدر حیدر و پرچم ایران و پرچم سبز امیرالمومنین را در کنار هم قرار میدهد تا به نام ناموس وطن از عرب کشی دم بزنند؟ اعتراض به آزار جنسی؟ مطلقا چنین نیست. تنها چیزی که در این شو مشمژ کننده واقعا نیست اعتراض به آزار جنسی است. این بهزاد عرب کش کجا بود وقتی که قاضی هموطن شیعی خالص ایرانیش در شهر نکا طناب دار را بر گردن عاطفه رجبی، این دختر معصوم انداخت که توسط تجاوزگران نظام اسلامی صدرصد ایرانیش

مورد تجاوز قرار گرفته بود؟ چرا فاشیستهای ایرانی وقتی جان ریخانه جباری را به "جرم" دفاع از خود در مقابل یک متجاوز از وزارت اطلاعات میگرفتند، نه سمفونی درست کردند و نه در مقابل وزارت اطلاعات متجاوز سرود خواندند؟

با یادآوری این اتفاق می خواهم این سؤال را برجسته کنم که در مملکتی که جنایتی در سطح تجاوز به دختران جوان در زندان هایش رخ داده است، در مملکتی که سرشار از اخبار تکان دهنده تجاوز جنسی مقامات اسلامی حاکم در پناه دستگاه قضایی تجاوزگرش است، چطور سرود "ای ایران" جایی ظاهر میشود که به قول خودشان "عربها به ناموس هموطن" تجاوز کرده اند؟! دلیلش روشن است. یک رکن مهم ناسیونالیسم نژاد پرستانه ایرانی تحقیر عربها است. سرود "ای ایران" دقیقا به خاطر محتوای فاشیستی و نژادپرستانه اش میتواند راهش را به تجمع ناسیونال-فاشیستی در مقابل سفارت عربستان باز کند.

از حامیان ایدئولوژیک تا مردم معترض!

این روزها جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران در حال اوج گرفتن است. در خارج کشور هم تجمعات و تظاهرات اعتراضی متعددی با هدف سرنگونی با حضور جمعیت وسیعی و با شرکت طیفهای مختلف سیاسی در جریان است. بعضا در شروع این تجمعات سرود "ای ایران" پخش میشود. این سؤال مطرح است که اگر کسی محتوای سرود "ای ایران" نژادپرستانه، ناسیونالیستی و فاشیستی میداند، میتواند در این تجمعات شرکت کند؟ در میان بخشهایی از چپ این بحث مطرح است که نباید در چنین تجمعاتی شرکت کرد. نقطه تمرکز بحث حاضر این سؤال و پاسخش نیست که بحثی جداگانه و مفصل لازم دارد. اینجا من فقط به چند نکته بسنده میکنم و بحث مفصل را به فرصتی دیگر موکول میکنم.

در نقد و افشای این سرود نباید کوتاهی کرد. محتوای این سرود را به هر شکل ممکن باید افشا کرد. یک وجه مبارزه با طبقات حاکم، مقابله با افکار و آراء و خرافه های سیاسی است که تولید میکنند و به کار میگیرند.

حساب جمعیت شرکت کننده در تجمعات اعتراضی را باید از حساب سلطنت طلبهای ایدئولوژیک جدا کرد. این دو در یک کتگوری نیستند. یک ناسیونالیست دو آتشه سلطنت طلب با سرود "ای ایران" دنبال تبلیغ ناسیونالیستی و عظمت طلبانه اش هست. اما خیلی از افراد در حمایت از جنبش سرنگونی مردم ایران در این تجمعات حضور پیدا میکنند. این جمعیت را باید مخاطب قرار داد.

با تمام توان باید تلاش کرد پودיום سخنرانی در تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی محل این یا آن سرود و این یا آن پرچم نباشد که سخنران ناگزیر با پرچم یا سرودی تداعی شود که مغایر با اعتقاد سیاسی اش است. موفقیت در این امر منوط به حضور فعال شخصیتهای بانفوذ کمونیست در تدارک و سازماندهی چنین اعتراضاتی است. تجربه های متعددی نشان داده است که این ممکن است.

مبارزه سیاسی دور خود چرخیدن در محافل خودی نیست. تلاشی برای تغییر افکار و جابجا کردن نیروهاست. باید جایی حضور داشت و حرف زد و سخنرانی کرد و تبلیغ کرد که مردم معترض حضور دارند. تجمعات وسیع را نباید خالی گذاشت تا نیروهای راست میدان داری کنند.

۱۳ مرداد ۱۴۰۰، ۴ آگوست ۲۰۲۱

کرونا، سرمایه داری و اخلاق



شهاب بهرامی

بیش از ۱۸ ماه از اعلام رسمی شیوع جهانی ویروس کرونا می گذرد. تا به امروز البته بنا به آمار رسمی دولتها، بیش از ۵ میلیون نفر کشته و نزدیک به دویست و ده میلیون نفر به این ویروس مهلك مبتلا گشته اند. با آغاز موج پنجم این ویروس موسوم به "دلتا" جان های بیشمار دیگری درو می شود و زندگی های بسیار بیشتری نابود. وقوع این فاجعه انسانی در این ابعاد، هر ذهن پرسشگر و کنجکاوی را در برابر این پرسش قرار میدهد که چگونه در عصری که علم و تکنولوژی، مرزهای دست نیافتنی را تسخیر نموده و تولید ثروت عمومی سر به آسمان سائیده، چنین فاجعه ای اتفاق می افتد؟ چه کسی قرار است در برابر فجایع و بلاهای طبیعی از جان آدمیزاد دفاع کند؟ چه کسی مسئول نجات انسانها و تامین سلامت و بهداشت آنها است؟ دولتها چه کاره اند و چه می کنند؟ نهادهای معتبر بین المللی همچون سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی وابسته به آن چه وظایفی در قبال این حوادث به عهده دارند و ده ها پرسش دیگر.

"مایکل مارموت" یکی از متخصصین بیماری های واگیر و رئیس "انستیتوی برابری از برخورداری در سلامت" وابسته به دانشگاه کالج لندن، در مقاله ای به نام "سیاست های ریاضتی به مثابه فرشته مرگ" که در فوریه پارسال منتشر شد می گوید: "پسرفت ده ساله بریتانیا در زمینه پیشرفت های اجتماعی بوضوح قابل مشاهده است. اگر با محک « امید به زندگی»، وضعیت نظام سلامت بریتانیایی ها را بسنجیم، متوجه آن می شویم. در ادامه

این مقاله می نویسد: اگر نرخ امید به زندگی در مناطق مختلف انگلستان را به شاخص های دیگری مانند درآمد، شغل، سطح تحصیلات، دوره های تخصصی، وضعیت سلامت و شرایط زندگی و همچنین شاخص فقر چند بُعدی که سازمان ملل از آن استفاده می کند ربط دهیم به ضریبی دست می یابیم که بر اساس طبقات اجتماعی تغییر میکند و رفته رفته بخش بیشتری از جامعه از امکانات و خدمات سلامت محروم می شوند. در واقع مهمترین شعار دولتی که در سال ۲۰۱۰ زمام امور را بدست گرفت و یا کابینه محافظه کار سال ۲۰۱۵، اقتصاد ریاضتی و کاهش هزینه های جاری دولت بود. تحت لوای دستیابی به رشد اقتصادی، کاهش هزینه های جاری دولت صورت گرفت و از ۴۲٪ تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ به ۳۵٪ در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ تقلیل یافت.

"لاید اگر به دولتمردان بریتانیایی بگوئیم که نیت واقعی ایشان فقیر تر شدن هر چه بیشتر اقشار ضعیف و ثروتمندتر شدن ۱٪ مرفه جامعه است که پس از گذر از بحران مالی جهانی با شدت بیشتری ثروت اندوزی کرده اند، فریاد اعتراض سر می دهند." مارموت در پایان این مقاله می نویسد:

"ولی نتایج سیاست های آنها دقیقاً همین بود. قطع یارانه های خانوارها تا سقف ۴۰٪، کاهش هزینه های جاری محلی تا سقف ۳۱٪ در محله های دهک آسیب پذیر و فقط ۱۶٪ در محله های قشر مرفه، کاهش کمک هزینه تحصیلی در مقطع دبیرستان و دانشگاه به میزان ۱۲٪ به ازاء هر دانش آموز".

تعرض وسیع به خدمات اجتماعی و معیشت مردم در انگلیس و ولز و اسکاتلند که مارموت به آن اشاره می کند البته از اواخر دهه هشتاد میلادی در قریب به اتفاق همه کشورهای سرمایه داری جهان، بر مبنای نسخه "ریاضت

اقتصادی" صندوق بین المللی پول و بانک جهانی شروع شد. دهه ای که به تاچریسم و ریگانیسم مشهور گشت اما این تعرض با بحران مالی سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ ابعاد بی سابقه ای به خود گرفت.

"پیر کالفا"، اقتصاددان و عضو شورای علمی انک و رئیس انجمن کوپر نیک، معتقد است که "بحران سلامتی فعلی با بحران های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی در آمیخته است. بحران کووید ۱۹ نشانگر عدم توانایی سرمایه داری در تأمین نیازهای اجتماعی واقعی بشریت است. این بحران بزرگ سلامتی، قبل از هر چیز به روند تولید سرمایه داری تولید گرا باز می گردد. سرمایه داری همیشه برای ادامه حیات به دولت نیاز داشته است. اکنون ما در مرحله ای هستیم که چندین بحران با هم ترکیب شده اند - زیست محیطی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی، که در هم ادغام شده یکدیگر را تقویت می کنند. باید به این گردش مرگ آسا پایان داد. در حالی که دولت پیش از هر چیز می خواهد «اقتصاد را نجات دهد»، که در تفکر او یعنی نجات شرکتها".

در اوایل دهه نود میلادی و با فروپاشی بلوک شرق تئوریسین های سرمایه داری افسار گسیخته بازار آزاد، رخصت بافندگی یافتند. ساموئل هانتینگتون "برخورد تمدن ها" را بافت و شارگردش "فرانسیس فوکویاما" فیلسوف سیاسی آمریکائی "پایان تاریخ" را اعلام نمود. بعد از بحران مالی ۲۰۰۹، هانتینگتون غیب شد و فوکویاما پذیرفت که اشتباه کرده و باید به بازار آزاد افسار زد در غیر این صورت، طبقه متوسط فنا می شود و این امر دمکراسی را با خطری سترگ روبرو می سازد.

با اوج گیری فاجعه کرونا در بهار ۲۰۲۰ جهانیان با شوک دیگری نیز از جانب رهبران و روسای دولت ها مواجه شدند. عدم آمادگی و پذیرفتن به موقع مسئولیت در قبال این

فاجعه. نکته تراژیک و نهفته در پیام های رهبران جهان سرمایه داری فارغ از مباحث اقتصادی و سود و زیان و نجات اقتصاد، تعرض آشکاری بود به حقوق فردی و اخلاقیات والای انسانی، به احترام به حق حیات انسان ها، به وظیفه مراقبت ویژه از بیماران و سالمندان و در اختیار قراردادن بهترین و بیشترین امکانات رفاهی برایشان. در ایتالیا و فرانسه و سوئد و قطعا جاهای دیگر گفتند که در صورت کمبود امکانات، مسئولین انتخاب می کنند که چه کسانی از میان بیماران زنده بمانند!

در یکی از کنفرانسهای فوروم اقتصادی داووس که پس از بحران مالی ۲۰۰۹ انجام شد در مقابل گستاخی های بانک های بزرگ و بیکاری سازی های میلیونی، بعضی از رهبران و شرکت کنندگان، به نقد صوری سیاست ریاضت کشی اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی یا همان سیاست فریدمنیستی پرداخته و بازگشت به اقتصاد کینزی را توصیه نمودند. حتی عده ای مانند "نیکولای سارکوزی" این کنسرواتو دو آتشه پا را از این فراتر گذاشته و خواهان اخلاقی شدن سرمایه داری شدند!

اما این فریب چندان ماندگار نماند. شعار اقتصاد را اخلاقی نکنید، اقتصاد را سیاسی نکنید و اقتصاد، اقتصاد است که قبلاً توسط "فردریک هایک"، اقتصاددان لیبرالیسم افراطی فرموله شده بود سرلوحه نشست های بعدی این فوروم جهانی شد. هایک معتقد است که مسائل معنوی و اخلاقی خارج از حوزه اقتصاد قرار می گیرد: آنها نه اخلاقی هستند و نه غیر اخلاقی علاوه بر این چون هیچ کس آفریننده روند های اقتصادی نیست، نمی توان در مورد آنها با معیارهایی که فقط در امور ذهنی کاربرد دارند، قضاوت کرد. هایک می پذیرد که سرمایه داری می تواند غیر عادلانه باشد، همچون طبیعت در توزیع مهارت و شایستگی بین افراد، ولی از نظر او بی شک غیر

اخلاقی نیست و بدین جهت نباید آنرا اساساً تغییر داد".

چنین تعریف و تفسیری از سرمایه داری و مختصات و کارکرد آن نه تنها حکم بر بی گناهی سرمایه داری با تمام فجایع روشن آن میدهد و به یک معنی از لحاظ ایدئولوژیکی آنرا توجیه می کند - بلکه با خارج کردن اخلاق از حوزه سیاست، تمام فجایع اجتماعی، زیست محیطی و فقر و بیکاری و صدها فجایع دیگر را توجیه می کند. مارکس ۱۷۰ سال پیش در جواب این گستاخی های ایدئولوگ های بورژوائی چنین می گوید:

"اقتصاد متشکل از عملکردهائی است که گروهی از انسانها (سرمایه داران) براساس آنها رفتارهای خود را نسبت به دیگران (کارگران و مزد بگیران مختلف) تنظیم می کنند: با استثمار آنها، با تحمیل ریتم کاری غیر قابل تحمل، با اخراجشان به بهانه رقابت اقتصادی، یا با به جان هم انداختنشان به واسطه ایجاد فرهنگ مسابقه ای که اکنون می دانیم تا چه اندازه منجر به رنج و محنت غیر قابل تحمل در محیط کار می شود". در حقیقت امر این موضوعات ربطی به صنعت و علم ندارد و در چهارچوب رفتار اجتماعی ای است که آگاهانه بر پایه منفعت جوئی بنا شده و بنابراین در حوزه قضاوت اخلاقی قرار می گیرد برای همین است که مارکس به درست می گوید "اقتصاد سیاسی تکنولوژی نیست".

کرونا در ایران

همچنانکه در ابتدای این نوشته اشاره شد، بحران یا فاجعه کرونا امری جهانی است اما در ایران ویژگی هایی دارد که مهمترین آن وجود جمهوری اسلامی به عنوان یکی از عاملین اصلی شیوع این بیماری بوده، لذا برای جلوگیری از گسترش و قتل عام بیشتر مردم هیچ گونه اقدام جدی و عملی انجام

بازتاب آتش سوزی ها در ترکیه

ادامه از صفحه ۵

نداده است. در حقیقت سران رژیم و در راس آن علی خامنه ای جنایتکار، نه تنها مسبب تخریب کامل یک کشور هشتاد میلیونی شده اند بلکه قاتلین اصلی چند صد هزار نفر از مردم قربانی کرونا در ایران اند و باید این پرونده هم به هزاران پرونده غارتگری ها و جنایت های دیگرشان افزوده شود.



عبدل گلپریان

طی روزهای گذشته بسیاری از مناطق کشور ترکیه دچار حریق شد که همچنان ادامه دارد. این آتش سوزی علاوه بر گرفتن جان تعدادی از اهالی این مناطق، سوختن و از بین رفتن خانه و کاشانه و دام هایشان، محیط زیست زیبای این مناطق را بطور جبران ناپذیری از بین برد.

این واقعه تنها مختص به مناطق جنگلی ترکیه نبود بلکه جنگلهای مناطقی از یونان و ایتالیا نیز دچار حریق شدند. در برخی دیگر از کشورها از جمله آمریکا، استرالیا، و ... آتش سوزی دارد به جان محیط زیست می افتد. به دلیل ارجحیت سود و سرمایه برای دولتهای سرمایه داری، زیستگاه انسان همچون خود انسان مورد آماج سیاست سود، حرص و طمع یک درصدیها در همه کشورها قرار گرفته است. اما در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی مسئله آتش سوزی مناطق جنگلی متفاوت از هر جای دیگر است.

پیشگیری از آتش سوزی و پیشگیری از نابودی محیط زیست امری ساده و کاملا قابل مهار است بشرطی که سود محور سیاست ها نباشد. اما اگر آتش سوزیها در همه جا به دلیل اولویت سود و سرمایه مفتخوران سرمایه در قبال محیط زیست است، در ایران تحت حاکمیت لاشخوران اسلامی نابودی عمده یک جامعه به تمام معنا است. در حاشیه آتش سوزی های اخیر در ترکیه، کاربدستان هر دو رژیم اسلامی در ایران و ترکیه تلاش کردند تا بر بستر این فاجعه زیست محیطی بهره

در بعد اقتصادی حکومت ایران نماینده سیاسی مشتکی تبهکار سرمایه دار و مافیائی است که پیاده کننده تمام و کمال نسخه ریاضت کشی صندوق بین المللی پول، تا به امروز بوده و هر گونه صدای اعتراضی را با سرکوب و گلوله پاسخ داده است. در هیچ موردی مسئولیت نمی پذیرد. بی آبی، بی برقی، بیکاری، فقر و گرسنگی، تن فروشی و کلیه فروشی و هزاران نمونه دیگر، معضل این باند مافیائی نیست هر جا سود دهی نداشته باشد سرمایه گذاری نمی کند.

امروز، به یمن مبارزات و اعتصابات وسیع کارگری به ویژه در این دوره می شود خواستهایی همچون مسئولیت و تامین معیشت عمومی مردم را به دولت تحمیل کرد یا واکنش سبب عمومی و مجانی به جای قبرهای مجانی در بهشت زهرا را. اینکه می گویند تخریب است و پول نداریم دروغ می گویند. منابع مالی رژیم عظیم است. کافی است فقط نگاهی به چند فقره از دزدی های ده ها میلیارد دلاری افکند یا هزینه های نجومی تاسیسات موشکی و تولید سلاح هسته ای، تا ثابت شود که حکومت پول و امکانات فراوان در اختیار دارد. بنابراین می شود به آنها تحمیل کرد تا در اسرع وقت به خواستهای مطرح شده پاسخ داده و در رابطه با معیشت و سلامت عمومی جامعه مسئولیت بپذیرد. کارگران هفت تپه و نفت در این راه قدم های بزرگی برداشته و بسان رهبر سیاسی جامعه به میدان آمده اند تا تحقق این امور را به سرانجام مطلوب خویش برسانند.

۵ جولای ۲۰۲۱



ندارد. جریانات و نیروهای قومی نیز با اینگونه احساسات قوم گرایانه، راسیستی و ضد انسانی خود، در صف حاکمان ایران و ترکیه جای دارند. اینها اگر در قدرت بودند در اوج نژادپرستی همان عملی را انجام می دادند که حاکمان آلمان نازی در قبال یهودیان انجام دادند.

اکنون در مقطعی از تاریخ زندگی انسان بسر می بریم که گنداب و تعفن اسلامی، فاشیسم و نژادپرستی از منظر افکار عمومی در سطح جهانی پدیده هایی مذموم، ضد انسان و جنایتکارانه محسوب می شوند. در آستانه سومین دهه از قرن بیست و یکم پدیده های شوم و ضد انسانی از کمترین جایگاهی برخوردار نیستند.

بحران و بن بست سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه داری در قرن بیست و یکم نشان داده است که قابلیت نابودی کره زمین و تباهی زندگی انسان بر روی زیستگاه خود را دارد. پاسخ قطعی و نهایی به این همه تباهی و ویرانگری که محصول نظام سرمایه داری و محصول جریانات و نیروهای چپک زده اسلامی حاکم و غیرحاکم است، تلاش و مبارزه برای برقراری یک جامعه آزاد، برابر و انسانی است.

تلی از خاکستر تبدیل شده بود.

نقش حاکمان در کشورهای اسلام زده در چنین مواردی با قوانین و تعهدات بین المللی در قبال جان و مال ساکنان کشورهای صدمه دیده بسیار متفاوت است. اهدای هواپیمای آب پاش از سوی حکومت اسلامی برای مهار آتش سوزی در ترکیه ابدا از این دست نیست. این نوع به اصطلاح کمکها مطلقا در چهارچوب روابط تعریف شده برای نجات مردم و یا مسئولیت پذیری در قبال محیط زیست نیست.

هدف حکومت اسلامی از این نوع فیکورهای کمکی کاملا سیاسی و ایدئولوژیک است. قطعاً باید به همه مردم آسیب دیده در ترکیه و حتی یونان و ایتالیا کمک دیگر دولتها سرازیر شود اما نمایش کمکی رژیم اسلامی مطلقا در چهارچوب کمکهای انسان دوستانه نمی گنجد. حکومت اسلامی در حالی چنین ژست ارسال کمک به ترکیه را می گیرد که در ایران آتش سوزیها نه مقطعی بلکه بطور دائمی از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق کشور در جریان است و اگر تا کنون از خودگذشتگی های مردم مناطق مختلف و فعالین محیط زیست نمی بود تا کنون جغرافیای کشور به

مستله دیگری که در همین رابطه لازم است به آن اشاره کرد خشنودی جریانات ناسیونالیست از این رویداد است. اگر جان و مال و زندگی مردم برای هر دو حکومت اسلامی در ایران و ترکیه ارزش

عباس عبدی و بحران نظام



سیاوش مدرسی

سوراخ موش‌های جمهوری اسلامی



ناصر اصغری

میشوند و دلایان و هرزه‌های پست زیر سایه خامنه‌ای و کل نظامش در جنگ مرگ و زندگی مردم را چپاول میکنند! هیولا می‌بلعد و می‌بلعد و رژیم می‌چاپد و می‌چاپد.

این چهره واقعی نظام طبقاتی و سرمایه‌داری اسلامی ایست که عریان و بدون بزک اصلاح‌طلبی خود

را به جهانیان نشان میدهد. انگار دیگر گلچین کردن فرد برای اعدام در ملاعام جوابگوی حفظ اقتدار نظام الهی نیست و جنگ و کشتار جمعی را در دستور گذاشته‌اند! رژیم نابود میکند باید نابودش کرد! این هم فرمان اقتدار مردمی ایست که کمر به نابودی رژیم سفاک الهی و اعمال اراده خود را دارند.

مردمی که دست به ریشه می‌برند و ریشه ارتجاع و قاتلینشان را میکنند.

بله جناب عبدی بحران سیاسی و رژیم ساخته است. این رژیم بدون بختک جنگ و کرونا و علم کردن معرکه "خون بر شمشیر پیروز است" یک دقیقه هم دوام نمی‌آورد از آغاز سیاستشان همین بود! سیاستشان همین بود! این کشتاری هدفمند است برای حفظ نظام! این نعمتی است از نوع نعمت جنگ برای خمینی جلاد!

اما برخلاف نظر این جناب در گفتگوی بی‌بی‌سی فارسی که امکان انقلاب را صفر میداند باید گفت هر دو سوی جنگ را ببینید! "بحران خود ساخته" نظامتان بحرانی است که کلیت نظامتان را خواهد بلعید.

۴ اوت ۲۱

بوده و هست، مردمی که در جدالی ۴۲ ساله بها داده‌اند و تا زمان بقای این زالوهای لعنتی بر پیکر اجتماعشان بها خواهند داد!

امروز تنها ابله‌ترین و تبه‌کارترین بوق‌های تبلیغات‌چی‌ها و تحلیلگران معلوم‌الحال میتوانند در کرنایشن بدمند که مشکل "سوء مدیریت است!" مشکل این است که "شایسته سالتی" نیست! و اذعان نکنند که مشکل کلیت نظام است!

آمار قتل عام روز بروز بیشتر میشود تا اقتدار خداوندان سود و سرمایه حفظ شود و کاسه چپاول در یوزگیشان پرتو. تخمین می‌زنند که آمار کشتار در دوران جنگ ایران و عراق روزی ۷۰ نفر بوده است و امروز هر روز ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر، بیمارستان به جبهه جنگ تبدیل شده است، کادر درمان از پا افتاده است و نوحه‌خوانها و طلبه‌ها و پامبریه‌ها مشغول کسب و کار در بازار پر رونق احتکار دارو و تخت بیمارستان هستند و گورستانها پر رونق که وعده دفن مجانی میدهند، در کرمان و تهران مشغول کندن گورهای دسته جمعی!

درست در چنین شرایطی رئیسی جلاد با بغض و اندوه به کرونای ملعون لعنت می‌فرستد که نگذاشت دست سیدعلی خامنه‌ای را بلیسد!

در بیمارستانها تخت خالی پیدا نمیشود در خیابانها پاسدار و لباس شخصی پرا داروها در بازار سیاه تخلیه

"وضعیت کرونا و میزان فوتی‌های آن در ایران بسیار تأسف‌آور است. اگر در ابتدای این پاندمی مردم می‌پذیرفتند که عزیزان‌شان به علت این بیماری و خارج از اراده و عملکرد سیاست فوت کرده‌اند، اکنون دیگر چنین چیزی را نمی‌پذیرند. مردم فوت عزیزان‌شان را منتسب به سیاست‌های نادرست در زمینه واکسیناسیون می‌کنند. سیاست‌هایی که تأکید بر تولید داخل کرد و واردات را به فراموشی سپرد حتی با آن مخالفت هم کرد."

این پاراگراف را عباس عبدی روز یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ در روزنامه علنی انتشار اعتماد زیر عنوان "گزارش دو بحران خود ساخته" به سمع و نظر قربانیان نظامی که او خود از برپا دارندگان و وفاداران به آن است میرساند!

اما منصفانه حاجی عباس عبدی درست می‌گوید بحران کرونا بحرانی خود ساخته و سیاسی است، از آغاز هم بود و مسبب و طراح اصلی آن هم همان کس و کسانی هستند که: "واردات را به فراموشی سپردند حتی با آن مخالفت هم کردند." این کسان ۴۲ سال است که فصل الخطاب سهم‌خواهی و سهم‌خوری باندهای مافیایی حاکم بوده‌اند و امروز بالاخره به مرکز اختلافات باندهای شما پرتاب شده‌اند!

اما در سوی دیگر این بحران خود ساخته و سیاسی مردمی قرار گرفته‌اند که سهمشان از بقای این نظام فقر، بیماری، مرگ و نابودی

حساب خود را از جمهوری اسلامی جدا کنید

جمهوری اسلامی دارد برای قطع اینترنت مردم نقشه می‌کشد و واضح است که این کار را باید از طریق کارگران شرکتهای خدمات اینترنتی انجام بدهد. دارد نقشه می‌کشد که با اعتراضات توده ای و میلیونی به مقابله برخیزد و واضح است که باید اسلحه هایش را دست درجه داران جزء و سربازان، فرزندان همین مردمی که به پا خاسته اند، برای شلیک به معترضین بدهد.

جمهوری اسلامی رفتنی است، به حکم اعتراضات ۸۸، ۹۶، ۹۸ و همین روزها (در خوزستان و همبستگی با آن در شهرها و مراکز مختلف) رفتنی است. به حکم اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، هپکو، کارگران پیمانی پروژه ای نفت و پتروشیمی‌ها رفتنی است. جمهوری اسلامی رفتنی است برای اینکه جامعه ای هشتاد - نود میلیونی را به تباهی کامل کشانده. به حکم صدها هزار خون ریخته شده در این ۴۲ سال حاکمیت ننگینش رفتنی است. رفتنی است برای اینکه مردم حکم رفتنش را داده اند. سؤال اینجاست که در این بحبوحه و در این جنگ و جدال برای بقاء شمانی که قرار است اینترنت مردم را قطع کنید، شمانی که قرار است به سینه معترضین شلیک کنید، کدام طرف تاریخ می‌خواهید بایستید؟! از شما می‌خواهیم که به صف ما، به صف طولانی معترضین به این حکومت مرگ و تباهی ببینید.

۱ اوت ۲۰۲۱

جمهوری اسلامی در حال محدود کردن و یا بهتر است بگوییم در حال برنامه ریزی برای قطع اینترنت است و به خیال خود دارد با اعتراضات، سازماندهی اعتراضات و مقابله می‌کند. اینگونه "راه حل‌ها" در واقع حکم سوراخ موش‌هایی را برای این رژیم دارند که سران جمهوری اسلامی فکر می‌کنند تونل هستند که می‌توانند وارد شده و از آنجا فرار کنند.

آیا اینها واقعا فکر می‌کنند می‌توانند جامعه ایران را، که تشنه و گرسنه است، با قطع اینترنت ساکت کنند؟! جدا فکر می‌کنند می‌توانند

اینترنت را قطع کنند و جامعه ایران و دنیا را از هم بی خبر نگه دارند؟! سالیان سال تلاش کردند کودکانمان را مذهبی کنند، اما موفق نشدند. سالیان سال تلاش کردند که زنان بی حجابی نکنند، اما موفق نشدند. سالیان سال تلاش کردند که مردم ریخت و لباسشان را مسخره نکنند و به تمسخر شان نگیرند، اما موفق نشدند. سالیان سال تلاش کردند که مردم از ماهواره استفاده نکنند، اما موفق نشدند. سالیان سال تلاش کردند مردم را با آموزش‌های خردجالی سرگرم کنند، اما موفق نشدند. سالیان سال تلاش کردند مردم اعتراض نکنند، اما همین مردم امروز پا گذاشته اند روی گردن نحس حکومتشان که نفسش را برای همیشه ببرند.

هر کدام از این ورجه وورجه کردن‌های این رژیم مردم را برای سرنگونی آن مصمم تر می‌کند.

په مو حقمه از کی بگیرم؟؟؟ هدا کریمی صدر



وضعیت این سالهای آبادان بیشتر شبیه به کمندی تلخه، شبیه سرزمینی افسانه‌ای که نیاز به رنالیسم جادویی گابریل گارسیا مارکز داره تا داستانهای باورنکردنی درباره یه شهر و مردمش و روزگارش بنویسه.

همه می دونیم زیر پوست شهر داره چی میگذره، درست مثل بیماری که از سرطان لاعلاج خودش خبر داره و هیچ کاری از دستش بر نییاد. انگار این دیالوگ تنگسیر فقط و فقط برای آبادان نوشته شده که: آخه این چه شهریه، حاکمش دزده..... وکیلش دزده..... سیدش دزده.....

په مو حقمه از کی بگیرم؟؟؟؟

آخه این چه شهریه که رئیس آتش نشانی خبر داره که خطوط ارتباط تلفنیش مشکل داره ولی طی سالهای مشعشع مدیریتش هیچ اقدامی نکرده که مشکل برطرف بشه، بعد توی برنامه تلویزیونی هی توجیه، هی سفسطه، هی فلسفه چینی‌هایی که نه اون دو بچه‌ی قربانی روزنده میکنه و نه آتیش دل یک خانواده داغدار رو خاموش.

شرف واژه‌ی سنگینه توی باور مردم ایران. وقتی به کسی بگی بی‌شرف دست به یقه میشه باهات و وقتی بخوای کسی رو تعریف و تمجید کنی از عنوان با شرف و شریف و شرافتمند براش استفاده میکنی.

ژاپن کشوری بدون تبلیغات خدا پیغمبری و دین رسمی به شمار میاد، وقتی مدیری قصوری میکنه به پهنای صورت گریه میکنه، تا کمر خم میشه و از ملت عذرخواهی میکنه و با یک استعفا سعی در کم کردن عمق فاجعه‌ای بر میاد که توی فرهنگ ایرانی شاید به یک عادت و امر معمولی تبدیل شده باشه.

توی دوره‌های مختلف که کار فرهنگی و اجتماعی توی شهرم انجام می‌دادم به چشم دیدم و دیدیم تلاش کفتار گونه

بعد شغالها و کفتارها به جون هم می‌افتادن، مثل راز بقا برای فرستادن فلان دلکچ به مجلس، شورای اسلامی شهر، شهرداری، فرمانداری، آموزش و پرورش، بهزیستی و هر کجا که بوی پول می‌آمد و جایگاه.

اگر قهرمان ناجی شهر غرق در فاضلاب و زباله و فقر و کثافت، روزی که واکسن پاکبانه رو دزدید و آبادان رو روسیاه عالم کرد رو با تپیا از شهر بیرون می‌انداختن، الان رئیس سازمان آتش نشانی شهرش نمی‌گفت که تماس از ساحل ارونه به آتش نشانی شوشتر وصل میشه.

این یعنی تو خبر داشتی و در کمال بی‌شرمی و بی‌شرفی و بی‌عرضگی فقط برای حفظ عنوان و حقوق و جایگاه حالا اگر ذره‌ای انسانیت داشتی مقابل مجری تلویزیون نمی‌نشستی که مغلطه کنی.

پدر خواننده‌های کوتوله شهر. در مردادی کثیف دو کودک در آتش بی‌مبالاتی و بی‌کفایتی و بی‌شرافتی تک تک مسئولان شهر سوختند تا انگل زاده‌های شما راه و رسم زالو صفتی را از شما تمام و کمال یاد بگیرند.

آدمهای سیاسی و مدیریتی و امنیتی شهر برای پست و پروژه و قدرت و پول رو. همه چیز هم از تخم لق پدرخواندگی شروع شد، درست مثل شیوخ خلق الساعه و مفت خور، از در و دیوار پدر خوانده‌هایی سبز شدند که سعی داشتند از شورای آرد و نان تا آب و فاضلاب، از پالایشگاه تا دربان منطقه آزاد، از شورای شهر تا گداهای دم سید عباس آدم و اجیر و جیره خوارشون باشن.

دلکچهای بی‌شرف یقه بسته که ظهر دست بوس امام جمعه بودن و شب پای بساط عرق، صبح ذکر می‌گفتن وسط جلسه و عصر لاس میزدن با عروسک‌های جنسی شکم گرسنه‌ی از روی ناچاری.

همه گند و کثافت‌های شهر رو می‌دونیم. وقتی فاکتورهای میلیاردی رستوران تاج محل بیرون اومد همه خفه خون گرفتن ولی اگه یه نفر از روی گرسنگی خلاف کوچیکی میکرد اقتدار دستگاه انتظامی عیان میشد و اگر کوچکترین حرکت سیاسی و مخالف خوانی انجام میشد اقتدار دستگاه امنیتی.

کلاهتان را بالاتر بگذارید، در کشوری که بار فاجعه‌ها آنقدر تقلیل یافته که اگر یک میلیارد اختلاس شود، می‌گویند: صدایش رو در نیار، بابا زیر صد میلیارد که اختلاس نیست. طبیعی است که مردن دو کودک در مقابل فاجعه‌های کشت و کشتار ۷۸ و ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و تا ابد الدهر این کشور مصیبت زده که عددی به شمار نمی‌آید.

آقای مارکز حیف شد که از دنیا رفتید، والا در اولین فرصت شما را به آبادان دعوت می‌کردیم تا صد سال تنهایی یک شهر و مردمش را نه در خیال که در واقعیت ببینید

مرداد ۱۴۰۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

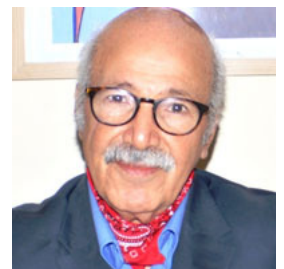
انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.

اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکست: کاظم نیکخواه
لینک: andishevasiasat.podbean.com

آیا کمونیسم شکست خورد؟



کاظم نیکخواه

حتما شما هم بارها این شنیده اید که عده ای میگویند کمونیسم شکست خورد بنابراین دست از دفاع از آرمان های کمونیستی بردارید. کمونیسم شکست خورد پس چرا شما هنوز کمونیستید. و امثال اینها. اوج این بحثها و تبلیغات زمان فروپاشی دیوار برلین در اواخر دهه هشتاد قرن پیش بود که با آن در واقع جنگ سرد و کساکش شرق و غرب در آن سطحی که قبلا بود تمام شد و جشن و سرور و عریه مدافعان سرمایه داری و ارتجاع مذهبی و نظام موجود را در ابعاد کرکننده ای شاهد بودیم. این موج عریه کشی خیلی زود بعد از اتفاقاتی که در سطح جهان افتاد فروکش کرد و مردم دنیا در حد بسیار وسیعی متوجه شدند که هدف این نوع تبلیغات فقط کمونیستها به عنوان یک حزب و یک سازمان نبوده و نیستند. بلکه همه مردمند. بطور واقعی موعظه گران شکست کمونیسم هدف اصلی شان این بود و هست که بخیال خود کلا آرمان خواهی، تغییر طلبی، تلاش برای بهبود زندگی، و کلا خواست زندگی بهتر را در دنیا تمام کنند و به پایان ببرند یا حداقل بسیار محدود کنند. امروز میخواهم اینجا همین را بیشتر بشکافم.

خیلی ها خیلی زود فهمیدند

کمونیسم تمام شد و مردم باید با سرمایه داری حال چه خوب چه بد بسازند و به آن برای همیشه تمکین کنند. اصل مسئله اینست.

انقلاب اکتبر یا کودتای لنین؟

سوال اینست که بالاخره آیا کمونیسم شکست نخورد؟ در پاسخ به این سوال اول باید یادآوری کنم که تفسیر و تصویری که بورژوازی جهانی از کمونیسم و انقلاب اکتبر در روسیه میدهد بهیچ وجه با واقعیت خوانایی ندارد و فقط یک جعل و چشم بندی تاریخی و شارلاتانیسم تمام عیار است که با پولها و سرمایه های کلان و مدیای نوکر و مفسرین مزدور به خورد مردم داده شده است. گویا کمونیسم با "کودتای لنین" و بلشویکها در روسیه بر بخشی از جهان حاکم شد و بعد زد و بست و کشت و دیکتاتوری و دیوار آهنین برپا کرد و سبمل اصلی آنهم استالین است و دولت‌های سرمایه داری دموکرات و "خوب" دنیا بخاطر این دیکتاتوری با کمونیسم مخالفند و بعد در سال ۱۹۸۹ مردم در کشورهای مختلف ریختند به خیابان و علیه کمونیسم تظاهرات و انقلاب مخملی کردند و کمونیسم شکست خورد و از صحنه جهان جارو شد و سرمایه داری و بازار آزاد برای همیشه پیروز شد و ما به پایان تاریخ رسیدیم. و دیگر تحولی فراتر از سرمایه داری ممکن نیست. رهبران و چهره های اصلی این تحولات شگرف و "قهرمانانه" هم مارگارت تاچر و رونالد ریگان و لئو والسا و امثالهم هستند

همانطور که اشاره کردم این پروپاگاندا و این شارلاتانیسم خیلی زود افشا شد و طی بیست سی سال گذشته تصویر تا حد زیادی عوض شده است. واقعیات جوامع بلوک شرق و چهره دارو دسته های مدافع سرمایه داری و کل سیستم سرمایه داری در این سالها بیشتر مشخص شد. جوانب رویدادها در بلوک شرق و در کل دنیای کنونی با بحرانها و رویدادهای بعدی بیشتر افشا گردید.

شکست سرمایه داری دولتی

اما بهر حال داستان بطور واقعی چیست و چه بود؟ اول آنچه در سال ۱۹۸۹ با به اصطلاح انقلابات مخملی شکست خورد یا تمام شد سرمایه داری دولتی بلوک شرق بود و ربطی جز اسمش به کمونیسم نداشت. کمونیسم بنا به تعریف یعنی جامعه انسانی. یعنی جامعه بدون استثمار. یعنی جامعه بدون طبقات. یعنی جامعه بدون کارگر و سرمایه دار. اینکه کسی بیاید یک مملکت را که سرمایه دار و کارخانه دار و کارگر دارد و کارگران در آن مثل همه جوامع سرمایه داری و حتی بیشتر از آن بی حقوق هستند و مردم هم برخلاف تصویری که کمونیسم میدهد هیچ حق و حقوقی ندارند را به عنوان جامعه سوسیالیستی و کمونیستی قالب کند خبر روشن است که ربطی به کمونیسم ندارد. مثل اینست که بگوییم الان کشور آمریکا سوسیالیستی یا کمونیستی است! هنوز دولت چین هم که مهد سرمایه داری امروز جهان است و کارگر را با روزی حدود یک دلار استثمار میکند و اتفاقا به زعم همه نظریه پردازان سرمایه داری یک سرمایه داری موفق و پر حال رشد امروز است. ادعا میکند که کشورش سوسیالیستی است. میشود هر ادعایی کرد اما آیا حقیقت و واقعیت ربطی به این ادعاها دارد؟ مطلقانه.

ثانیا کمونیسم با "کودتای" بلشویکها در روسیه سرکار نیامد. این مسخره ترین و پوشالی ترین توضیح در مورد انقلاب روسیه است. کمونیسم یا بلشویسم با خیزش انقلابی گسترده و پر شور و فداکاری میلیونی توده کارگران و دهقانان و سربازان در یک انقلاب با شکوه و گسترده علیه تزاریسم و سرمایه داران و سفته بازان و مفتخوران توانست در روسیه پیروز شود. این تاریخ ثبت شده وجود دارد و قابل انکار نیست.

چهارم اینکه نتیجه انقلاب اکتبر کاملا بر خلاف آنچه ارتجاع مذهبی و شارلاتانهای سیاسی مدافع سرمایه داری تبلیغ کردند دیکتاتوری نبود بلکه وفور آزادی بود. وفور رفاه بود. وفور دخالت گری مردم در سرنوشتشان بود. در بیشترین حدی که تا آن زمان در دنیا قابل تصور بود این

انقلاب آزادی و رفاه و دخالتگری مردمی را به جامعه روسیه آورد. بورژوازی اتفاقا از این آزادیها و گشایش در زندگی مردم وحشت داشت و نه از دیکتاتوری.

وحشت از وفور آزادی و رفاه

با انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ توسط کارگران و مردم روسیه و تحولاتی که ایجاد کرد چهره جهان عوض شد. با این انقلاب با فاکت و شواهد تاریخی میتوان نشان داد که بشریت یک گام اساسی به پیش برداشت. تا قبل از آن در تمام کشورها حتی کلمه مردم با بی سر و پاها و اوباش یکی بود. نه فقط زنان هیچ حقی در جوامع و در خانواده نداشتند بلکه کلا مردم چه زن و چه مرد مطلقا از جایگاه و احترام و حق و حقوقی در جوامع برخوردار نبودند و زیر دست و پای دیکتاتورهای سرمایه دست و پا میزدند. اکتبر تصویر دیگری از بشر ارائه داد. اکتبر در همان قدم اول زنان را آزاد کرد. حق رای و حقوق برابر زن و مرد در جامعه و در خانواده را به اجرا گذاشت.

حق رای عمومی را به سطح جوامع آورد. اداره شورایی تمام مردم را به عنوان قانون به اجرا گذاشت، حقوق کودک را معنا کرد. دهقانان را از سلطه زمین داران رها کرد. هشت ساعت کار در روز را به اجرا گذاشت. دستمزد کارگران را به سطح بسیار مساعدتری افزایش داد. کار شبانه را ممنوع کرد. اموال کلیساها را مصادره کرد و در اختیار جامعه قرارداد. کشورهای تحت سلطه تزاری را آزاد کرد و بسیاری از تحولات و حقوق دیگر. اینها شروع تحولات جدی تر و اساسی تری بود که قرار بود به اجرا گذاشته شود. این تحولات و برنامه همه جانبه برای تحولات اساسی تر. بر کل دنیای اول قرن بیست تأثیرات شگرفی گذاشت. مردم نه فقط در روسیه بلکه در سراسر جهان سرمایه داری به یک مرتبه متوجه شدند و دیدند که امکان تغییر وجود دارد. امکان بهبود به قدرت مبارزه آنها وجود دارد. امکان پایان دادن به سرمایه داری و سلطه سرمایه داران وجود دارد. مردم دنیا مطالبه گر شدند. مبارزات اجتماعی

گر گرفت و گسترش پیدا کرد. جنبشهای اجتماعی برای حقوق برابر زن و مرد، حق رای عمومی، منزلت و رفاه، حق تشکل و غیره در اکثر کشورهای دنیا و بیشتر از همه در کشورهای سرمایه داری غرب به جریان افتاد و بورژوازی یعنی طبقه سرمایه دار را ناچار کرد که در برابر این موج تحول خواهی به درجانی عقب بنشیند و حقوقی را برای کارگران و زنان و مردم تحت عنوان برنامه های اصلاحات و غیره برسمیت بشناسد. حق رای عمومی، حق رای زنان، حق تشکل، حق تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها و کلا حقوق بشر و امثال اینها از این زمان در این کشورها به وسط میدان آمد و تحمیل شد. اینطور نیست که بورژوازی غرب در یک صبح آفتابی سندیکا و اتحادیه و حقوق بشر را آزاد اعلام کرد و حقوق برابر زن و مرد و آزادی بیان و امثالهم را برسمیت شناخت. اینها با پژواک انقلاب اکتبر و تحولات قبل و بعد آن و جنبشهای سوسیالیستی که در سطح جهان شکل گرفت به دنیای غرب راه یافت.

در یک کلام اکتبر همانطور که من در جای دیگری گفته ام کلا تلقی بشر را از خودش عوض کرد. با انقلاب اکتبر و بیگ بنگی که ایجاد کرد و جنبشهای سوسیالیستی ای که بدنبال آن در دنیا شکل گرفت تصویر حاشیه ای و نازل و برده وار از مردم کلا در سطح دنیا عوض شد و کارگران و مردم دیده شدند، برسمیت شناخته شدند و صاحب حقوق شدند و منزلت و اعتماد بنفس پیدا کردند.

اشغال روسیه توسط بورژوازی

یک تحریف دیگر که در تبلیغ شکست کمونیسم به خورد مردم داده شده اینست که گویا کمونیستها جامعه روسیه و بلوک شرق را به صلابه کشیدند. این هم مطلقا واقعی نیست. همانطور که اشاره کردم با انقلاب اکتبر کمونیستها و بلشویکها بیشترین آزادیهایی که در آن زمان قابل تصور بود را از همان روز اول به قدرت رسیدن به اجرا گذاشتند. اما روسیه کارگران و زحمتکشانش و دهقانان از همان روزهای اول از همه طرف مورد تهاجم لشکریان ارتجاع سرمایه داری جهانی قرار

گرفت. حداقل ۱۵ کشور ارتش هایشان را با تجهیزات کامل جنگی به سوی مرزهای روسیه انقلابی گسیل کردند و هر کدام گوشه ای از این کشور را اشغال کردند. هنوز جنگ جهانی اول جریان داشت و بهانه این دولتها هم مقابله با آلمان و متحدانش بود. آن زمان مثل امروز امکانات ارتباطاتی پیشرفته و مدیای اجتماعی و غیره وجود نداشت که صدای کارگران و مردم انقلابی بازتاب وسیعی پیدا کند و علیه این تهاجم وسیعا اطلاع رسانی شود و مردم دنیا علیه حاکمین سرمایه در کشورهای خودشان بسیج شوند و حرکت آنها را سد کنند. دولتهای آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان، رومانی، ژاپن، یونان، استرالیا، استونی، کانادا، چکوسلواکی، و چندین کشور دیگر ارتش هایشان را در شمال و جنوب و غرب و شرق روسیه برای خفه کردن انقلاب بلشویکی گسیل کردند. در داخل روسیه نیز دهها هزار مزدور تحت نام "ارتش سفید" به رهبری ژنرالهای تزاری و عمدتا ژنرال دنیکن و کولچاک با این ارتجاع جهانی همکاری میکرد تا انقلاب کارگری را نابود کنند. ارتشهای مهاجم تا دروازه مسکو هم رسیده بودند. چرچیل با تیختر کف بر دهان می آورد که باید بلشویسم را در نطفه خفه کرد. و هدفشان خفه کردن انقلاب کارگری بود. و مطمئن بودند که با این لشکرکشی وسیع بسادگی به این هدف خواهند رسید.

اما برخلاف انتظار آنها این تهاجم جهانی علیه انقلاب نوپای کارگری در عرض دو سال توسط ارتش سرخ که تازه شکل گرفته بود و بی تجربه و بدون تجهیزات و سازمان جدی بود کاملا در هم شکسته شد. چرا و چگونه چنین معجزه ای میسر شد؟ جواب اینست که از این طریق که بلشویکها و ارتش سرخ پشتیبانی توده وسیع مردم این کشور را با خود داشتند. این ارتش در واقع خود مردم کارگر و زحمتکش و دهقانان ستم کشیده بودند که انقلاب آنها را از بند و زنجیر سرمایه داری و فئودالیسم و تزاریسم آزاد کرده بود و با شور و امیدوفاق روشنی که کمونیستها برای آزادی و رهایی مقابل آنها قرار داده بودند مبارزه میکردند تا زندگی خود را به شکل دیگری

پایه ریزی کنند.

بنابراین انقلاب تا اینجا با قدرت توده مردم محروم کاملا پیروز شده بود و همه توطئه ها و تلاشهای جبهه جهانی قدرتهای سرمایه داری علیه کارگران و زحمتکشانش را به شکست کشانده بود. و این برای اول بار در تاریخ است که این اتفاق به این عظمت افتاده است که دولتهای جهانی از مردم یک کشور واحد شکست میخورند. این را هیچ تاریخ نگار بورژوا حاضر نیست اعتراف کند. از این نظر این تجربه بسیار بسیار برای انقلابات آتی مردم آموزنده است. اکتبر در واقع این را نشان داد که حرف آخر را مردم میزنند و نه دولتها. مردمی که به سلاح آگاهی و رهبری واقعی خود مجهز باشند.

جلو آمدن ناسیونالیسم روسی

اما یک اتفاق و تحول که در حین این جنگ و جدال ها صورت گرفت این بود که چند سال جنگ تا پای جان با ارتشهای اشغالگر برای دفاع از بقول معروف "میهن سوسیالیستی"، خیلی چیزها را تحت الشعاع خود قرار داد. این جنگ از یک طرف ناسیونالیسم و ملی گرایی را در روسیه بسیار تقویت کرد و پروبال داد. و از طرف دیگر امکان و فرصت پیشروی و پیاده کردن برنامه همه جانبه سوسیالیستی را به بلشویکها و کمونیستها نداد و نهایتا این ناسیونالیسم روسی با رهبری استالین بر حزب بلشویک غالب شد. و این در واقع در غیاب لنین رهبر انقلاب اکتبر و تنورسین و رهبر بلامناز حزب بلشویک بود که این چرخش توانست صورت بگیرد. به دلیل اینکه لنین در همین سالها متاسفانه سکنه کرد و خانه نشین شد و توان رهبری انقلاب را از دست داده بود. و کس دیگری که بتواند مانع این روند و این فاجعه بشود در حزب نتوانست قد علم کند.

همانطور که اشاره کردم این تحول فاجعه آمیز قبل از این بود که بلشویکها فرصت کنند که برنامه و سیاستهای اقتصادی خودشان را متعین تر کنند و در جامعه پیاده کنند و به سیستم استثمار سرمایه داری پایان بدهند. به این ترتیب اتفاقی که افتاد این بود

که جناحی حاکم شد که دولتی کردن و ملی کردن کارخانجات و صنایع و داراییها را بنام کمونیسم و سوسیالیسم جا زد. به این ترتیب ناسیونالیسم روسی بر حزب بلشویک غالب شد و همه چیز بر این اساس چیده شد. و نهایتا سرمایه داری دولتی جای سوسیالیسم را گرفت یا بهتر است بگویم سرمایه داری دولتی به عنوان سوسیالیسم معرفی شد و غالب گردید.

با غلبه استالین و ناسیونالیسم روسی بر حزب بلشویک تصفیه کمونیستها از حزب شروع شد و همانطور که گفتم اولین قربانیان استالینیسم کمونیستها و بلشویکها بودند. توجه به این نکته بسیار مهم است. در واقع کمونیستها دوبار قربانی شدند. هم فیزیکا توسط دستگاه استالینی دستگیر و شکنجه و اعدام شدند. و هم بطور غیر منصفانه و غیر واقعی ای عامل و مسبب دیکتاتوری و کل عقب گرد تاریخی روسیه معرفی گردیدند.

اکتبر به بشریت راه نشان داد

اما همه این توطئه ها تبلیغات نمیتواند تاثیرات انقلاب اکتبر را کم رنگ کند. اکتبر نشان داد که پیروزی کارگران و مردم بر بورژوازی ممکن و میسر و عملی است. اکتبر تفکر بشر را تغییر داد. اکتبر برای آینده بشر راه نشان داد. کارگران قبلا کمون پاریس را تجربه کرده بودند که یک انقلاب کارگری و کمونیستی بود و حدود دوماه حکومت کارگری را سرکار آورد و دوام آورد و بعد با محاصره و سرکوب مواجه شد و به شکست کشیده شد. با درس آموزی از ضعفها و نقطه قوتهای کمون، اکتبر اما توانست سر پا بماند و این بار تمام توطئه ها و لشکر کشیها را به شکست بکشاند. و این یک تحول عظیم و جدید تاریخی بود. اما اکتبر نتوانست تماما با برنامه سوسیالیستی به سرمایه داری پایان بدهد. با درس آموزی از نقطه قوتها و ضعفهای اکتبر قطعا طبقه کارگر خواهد توانست گام بعدی را که گام نهایی در پایان دادن به جامعه طبقاتی و استثمار و سلطه یک اقلیت یک درصدی است بردارد. و بویژه در دوره اینترنت و مدیای اجتماعی و

ارتباطات جهانی این گام به کمک کارگران و مردم پیشرو جهان کاملا عملی و ممکن است.

همانطور که اشاره کردم بورژوازی و طبقه سرمایه دار با تبلیغات کرکننده در مورد شکست کمونیسم میخواست و میخواهد که این را القا کند که سرمایه داری بازار آزاد پایان تاریخ است.

بورژوازی با تبلیغ کمونیسم تمام شد میخواهد یاس و سرخوردگی و حزب گریزی و بی افقی و انقلاب گریزی و پراکندگی را به میان مردم ببرد و حاکم کند. این اساس هدف آنهاست. اما اگر صد بار هم تلاش کمونیستها و کارگران کمونیست شکست بخورد، کارگران و مردم و کلا بشریت دست از تلاش برای خلاصی از بی عدالتی های اجتماعی برنخواهند داشت. دست از مبارزه و انقلاب برای خلاصی از شر طبقه استثمارگر و مفتخوروبی خاصیت برنخواهند داشت. این کاملا غیر ممکن است. اصلا کمونیسم را کنار بگذاریم. آیا حاکمیت یک اقلیت یک درصدی مولتی میلیاردر بر کل ثروتهای جهان قابل قبول است؟ آیا بی اختیاری مردم در اداره جامعه قابل قبول و منطقی است؟ آیا فقر اکثریت مردم دنیا حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در همین قرن بیست و یکم قابل قبول است؟ آیا اینهمه آوارگی میلیونی مردم دنیا و اینهمه قربانی شدن مردم قابل قبول است؟ پذیرش سرمایه داری در هر شکل آن چه بازار آزاد و چه دولتی به معنای قبول همه این رنجها و بی عدالتی ها و هزاران درد و محرومیت و بیدادگری دیگر است که اینجا ما یک میلیونیم آنرا هم نمیتوانیم بر شمیریم. تا زمانی که استثمار و بی عدالتی و تبعیض و ستم و دیکتاتوری و ارتجاع و تحجر بر دنیا حاکم است، کمونیسم هم زنده است و زنده خواهد بود. بشر با هیچگونه تبلیغاتی و جنجالی دست از تلاش برای برپایی یک جامعه آزاد و انسانی و شاد و بدون فقر و جنگ و تبعیض و محرومیت و استثمار بر نخواهد داشت. این منشاء و پایه زنده بودن کمونیسم است. زنده باد کمونیسم! زنده باد مارکس!

اطلاعیه های حزب

تصمیم شرم آور

اتحادیه اروپا

برای شرکت در

مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی قاتل

را محکوم می کنیم

بیانیه اعتراضی حزب کمونیست کارگری - ترجمه از اصل بیانیه به انگلیسی

اتحادیه اروپا امروز اطلاع داد که معاون دفتر روابط خارجی خود "انریکه مورا" را برای شرکت در مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی در ۱۴ مرداد به ایران اعزام می کند.

ابراهیم رئیسی جنایتکاری تحت پیگرد است. وی مسئول قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ است که طی آن مقامات حکومت اسلامی هزاران زندانی سیاسی را که مدت محکومیت بسیاری از آنان به اتمام رسیده بود بطور دسته جمعی و مخفیانه اعدام کرده و اجسادشان را در گورهای جمعی بی نام و نشان دفن کردند. رئیسی همچنین مسئول بازداشت، شکنجه و اعدام هزاران مخالف سیاسی و مردم معترض طی سالهای طولانی صدارت خود در قوه قضائیه، چه بعنوان دادستان و چه به عنوان رئیس قوه قضائیه، است.

رئیسی از طرف مردم ایران به ریاست جمهوری انتخاب نشد، بلکه توسط رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه ای در یک "انتخابات" نمایشی در خرداد ماه امسال که وسیعاً از طرف مردم بایکوت شد دستچین شد. رئیسی و حکومتش نه نماینده مردم ایران بلکه قاتل آنها هستند.

بجای مباحثات با رئیسی و خوشامد گوئی به او، آنطور که اتحادیه اروپا و قیحهانه تصمیم گرفته است رفتار کند، رئیسی باید بدلیل جنایت علیه بشریت جلب و محاکمه شود. یکی از همردیفان ابراهیم رئیسی، یعنی حمید نوری، که همراه با رئیسی در همان هیات مرگ تهران که هزاران زندانیان سیاسی را در تابستان ۶۷ به قتل رساند، عضو بود، بزودی قرار است در سوئد بجرم جنایات جنگی و کشتار جمعی محاکمه شود.

اقدام به اعزام نماینده به مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی نمونه شرم آور دیگری از سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی است. چنین سیاستی است که طی ۴۲ سال به رژیم اسلامی امکان داده است که دهها هزار نفر را در خفا و بدون نگرانی از عواقب بین المللی آن به قتل برساند. اگر حمایت و همکاری دولت های غربی و بویژه دولت های اروپائی نبود، مردم ایران سالها پیش این حکومت ننگین را سرنگون کرده بودند. بطور واقعی، اگر حمایت دولت های غربی نبود، این حکومت که با مصادره انقلاب مردم در سال ۵۷ بقدرت رسید، حتی موجودیت نمی یافت.

ما این تصمیم شرم آور اتحادیه اروپا را به شدیدترین وجه ممکن محکوم می کنیم و خواهان لغو فوری آن هستیم. این اقدام، دهن کجی به مردم ایران است که در سخت ترین شرایط برای رهایی خود از شر این حکومت قاتل در حال جنگند. این اقدام، توهین به همه آن مردم و فعالین و نهادهای حقوق انسانی در سطح بین المللی است که برای افشای جنایات جمهوری اسلامی کوشیده و خواهان رسیدگی به جنایات ابراهیم رئیسی و سایر سران جمهوری اسلامی و محاکمه آنان به جرم نسل کشی و جنایت علیه بشریت بوده اند.

ما از همه آن کسانی که از این عمل شرم آور اتحادیه اروپا منزعج شده اند می خواهیم که به عنوان اولین اقدام، نامه ای اعتراضی به رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا نوشته و خواهان لغو فوری این تصمیم شرم آور شوند. ما از همگان می خواهیم هر جا که هستند و امکانش را دارند در تجمعات اعتراضی که از طرف حزب برای روز تحلیف ابراهیم رئیسی در ۱۴ مرداد (۵ اوت) در شماری از کشورهای اروپائی و در آمریکای شمالی فراخوان داده شده است شرکت کنند.

دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران

۳ اوت ۲۰۲۱، ۱۲ مرداد ۱۴۰۰

www.wpiran.org/english

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۱

بستن جاده جفیر در هویزه توسط مردم در اعتراض به نبود آب دستگیرها در خوزستان ادامه دارد، برای آزادی آنها بکوشیم

این اعتراض برای آزادی بازداشت شدگان خوزستان تلاش کنیم.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

۱۴ مرداد - ۱۴۰۰ ۵ اوت ۲۰۲۱

های اجتماعی وسیعی همراه بود. یک شکل ادامه این همبستگی ها همراهی مردم خوزستان برای پیشبرد یک کارزار سراسری برای آزادی تمامی دستگیر شدگان است.

با برگزاری تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف و فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد و جهانی کردن صدای

دارد. یک خواست فوری مردم خوزستان آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان است. واحد خوزستان بر کارزاری وسیع در شهرهای مختلف این استان با همراهی خانواده ها برای آزادی تمامی بازداشت شدگان تاکید دارد. اعتراضات مردمی در خوزستان با تکثیر در شهرهای مختلف و حمایت

است. بدنال خیزش های گسترده مردمی حکومت با دستگیرهای گسترده تلاش کرد اعتراضات را عقب بزند. اما شاهد گسترش دامنه این اعتراضات به شهرهای دیگر بودیم و اکنون کل منطقه در وضعیت انفجاری قرار دارد. در این مدت دستگیری های بسیاری صورت گرفته است و بازداشت ها همچنان ادامه

اطلاعیه شماره ۱۷: بنا بر خبر دریافتی امروز ۱۴ مرداد در روستای جفیر در منطقه روستایی بنی صالح، شهرستان هویزه در استان خوزستان در اعتراض به نبود آب مردم معترض برای ساعتی جاده اصلی را بستند. قطع آب یک معضل بزرگ مردم خوزستان است و فضای شهرها در تب و تاب اعتراض

خلاصه ای از اطلاعیه های خبری حزب

"بزرگترین اعتصاب کارگری در اولین روز کاری ابراهیم رئیسی"

امروز ۱۲ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در بیست و دومین روز اعتصاب خود برای پیگیری مطالباتشان مثل روزهای قبل ابتدا در مقابل فرمانداری تجمع کردند و سپس در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند و فریاد شعارهایشان بر فضای خیابانهای شهر طنین انداخت. کارگران خبر این اعتراض را تحت عنوان "بزرگترین اعتصاب کارگری در اولین روز کاری ابراهیم رئیسی" انتشار دادند و بدینگونه پیام روشن خود را به گوش حکومتیان رساندند و بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند.

در تجمع این روز در مقابل فرمانداری عباسی یکی از نمایندگان کارگران سخنرانی کرد و گفت اگر سه ماه حقوق معوقه ما را هم بدهند باز به تجمعات و اعتراض خود ادامه میدهیم تا مالکیت شرکت تعیین تکلیف شود و دیگر مطالبات ما مثل بازگشت کار کارگران اخراجی، تمدید قراردادهای کارگران دفع آفات و غیر نیشکری و واکسیناسیون رایگان کارگران و دیگر خواستههایی که اعلام کرده ایم جواب بگیرد. او گفت که ما کارگران هفت تپه دو سنگر داریم یکی در کارخانه و دیگری

ایستاده و پیگیر مطالباتشان هستند.

کارگران اعتصابی پیمانی نفت با اعتصاب قدرتمند خود تا همین جا توانسته اند بدرجات زیادی پیمانکاران را بر سر تحمیل خواستههایی چون افزایش دستمزدها، بهبود قابل قبول وضع کمپها و غذا و بیست روز کار و ده روز مرخصی به عقب نشینی وادار کنند. این کارگران ضمن اعلام اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد بر افزایش حقوق رده های مختلف تخصصی تاکید میکنند. در برخی واحدها پیمانکاران ناگزیر به قبول افزایش دوبرابری مزد کارگران شده اند. کارگران اعتصابی

نفت همچنین بر مطالباتی چون ایمن شدن محیط های کار، پایان دادن به امنیتی کردن محیط کار، واکسیناسیون رایگان و همگانی و برخورداری از امکانات درمانی رایگان در صنعت نفت و بهبود کیفیت آن تاکید کرده اند. یک خواست مهم این کارگران برچیده شدن بساط پیمانکاران چپاولگر و لغو قوانین برده وار ویژه اقتصادی است. از خواستهها و مطالبات کارگران اعتصابی نفت باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

هفت تپه شماره ۱۸

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد بیست و دومین روز خود شد

حقوق نیرماه کارکنان رسمی طبق خواسته آنها اصلاح شود اما تنها محدودیت افزایش ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی حذف و محدودیت سقف حقوق و باقی آیتهمهایی که سبب ایجاد کسوراتی در حقوقهای سال ۱۴۰۰ شده به جای خود باقی مانده است. از سوی دیگر عدم ایمنی محیط کار که همواره از کارگران قربانی میگیرد و تحمیل مالیات های سنگین مورد اعتراض کارکنان رسمی نفت است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن درج این خبر حمایت خود را از اعتراضات و خواستههای کارگران رسمی نفت اعلام کرده است.

در عین حال گزارشها از ادامه اعتصاب کارگران پیمانی نفت و اشکال دیگر اعتراضی این کارگران در محیط های کار خبر میدهند. از جمله امروز ۱۳ مرداد کارگران جوشکار و مونتازکاری شاغل در پروژه ذخایر نفت قشم واقع در جزیره قشم نیز به اعتصاب پیوستند. بعلاوه اکنون تحرک برای ایجاد مجمع عمومی در میان کارگران پیمانی اعتصابی نفت گسترش یافته و به این طریق آنها بر ادامه اعتصاب خود تا رسیدن به خواستههایشان تاکید میکنند. در کنار آن زرمه های بسیاری بر سر انتخاب نمایندگان واقعی کارگری در میان کارگران به راه افتاده است. بدینگونه کارگران پیمانی نفت سازمانیافته تر و متحدتر بر روی خواستههای خود

گرفته است.

اعتراضات کارگران نفت:

شماره ۳۲

گسترش اعتراضات در میان کارکنان رسمی نفت

اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت ادامه دارد

کارکنان رسمی نفت در اعتراض به نحوه افزایشات عمومی در حقوق ۱۴۰۰ و محدودیت های اعمال شده بر سقف افزایش دستمزدها دور جدیدی از اعتراض را آغاز کرده اند. از جمله روز ۱۱ مرداد جمعی از کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی بهرگانسر و کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره در قشم پالایشگاه نفت لاوان و قشم دست از کار کشیده و تجمع داشتند. قبل از آن نیز در هشتم مرداد ماه جمعی از کارکنان عملیاتی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی عملیاتی فروزان، منطقه بهرگان، سکوی ابودر و پرسنل خشکی فلات قاره در همین رابطه دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. کارکنان رسمی نفت اعلام کرده اند که تا وقتی به خواسته خود نرسند اعتراضاتشان ادامه خواهد داشت. لازم به یادآوری است که زیر فشار کارگران در ۶ تیر کمیسیون انرژی مجلس در جلسه خود مصوب کرد که

تجمع کارگران پیمانی فولاد مبارکه اصفهان و تشکیل پرونده علیه فعالین اجتماعی

- روز سه شنبه ۱۲ مرداد ماه کارگران پیمانکاری فولاد مبارکه اصفهان در اعتراض به پایین بودن حقوق و مزایای دریافتی و قراردادهای برده وار پیمانی مقابل ساختمان مرکزی فولاد مبارکه تجمعی برپا کردند. افزایش سطح دستمزدها و دائمی شدن قراردادهای کاری دو خواست فوری این کارگران است. این اعتراضات ادامه دارد.

- بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزادی کارگران ایران بدنال برگزاری تجمع اعتراضی حدود سی نفر از فعالین صنفی و مدنی و حقوق بشری در مقابل وزارت کشور در روز سه شنبه ۲۹ تیر ماه، که به بازداشت ۹ نفر از آنان انجامید، اخیرا پیامکی به این فعالین مبنی بر تشکیل پرونده قضایی علیه آنان در شعبه دوم بازپرسی شهید مقدس "امنیت" ارسال شده است. جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره این اتحادیه و از چهره های شناخته شده کارگری یکی از این دستگیر شدگان بود. بنا بر خبر این پرونده سازی ها علیه پوران ناظمی پور، آرش کیخسروی، بهزاد همایونی، آرش صادقی، حمید آصفی، رادامردانی، نرگس محمدی، رسول بدائی و جعفر عظیم زاده به جرم برپایی تجمع در حمایت از مردم خوزستان در مقابل وزارت کشور صورت



از دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد، گروهی از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه، گروهی از دانشجویان دانشگاه های هنر تهران، فعالین جنبش دانش آموزی

قبل از این سندیکای شرکت واحد طی بیانیه ای سانسور و جلوگیری از دسترسی آزاد به اینترنت را محکوم کرد. همچنین ۱۵۲ وکیل دادگستری با انتشار بیانیه ای این طرح را نقض حقوق بنیادین عموم مردم اعلام کرده و آنرا محکوم کردند. این کارزار را باید فعالانه گسترش داد و حکومت وحشت زده اسلامی را در جدالش با اینترنت به شکست کامل کشاند. این امر کاملاً عملی و ممکن است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مرداد ۱۴۰۰، ۴ اوت ۲۰۲۱

کرمانشاه، تشکل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، سندیکای نقاشان البرز، ندای زنان ایران، گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه، گروهی از رانندگان تاکسی شهرک ظفر کرمانشاه، گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه، گروهی کارگران جوشکار شهرک دولت آباد کرمانشاه، هنرمندان مستقل کرمانشاه، گروهی از ورزشکاران جدوکار شهر سنندج، گروهی از کارگران ساختمانی سنندج، گروهی از کارگران دست فروش سنندج، گروهی از زنان کوهنورد شهر سنندج، گروهی از کارگران نانوايي های شهر سنندج، گروهی از زنان خانه دار شهر سنندج، گروهی از معلمان شهر مریوان، گروهی از کارگران مرغداری های مریوان، گروهی از کارگران ساختمانی اشونیه، گروهی از کارگران ساختمانی نقده، گروهی از فعالین لغو کار کودکان تهران، دانشجویان علوم پزشکی اصفهان، گروهی

دانستند. در همین رابطه بیانیه ای با امضای شماری از گروهها و جمع های کارگری و اجتماعی منتشر شده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "امروز به یمن وجود اینترنت و رسانه های اجتماعی، جلوی سرکوب مردم معترض به سیاق دهه ۶۰ گرفته شده است و کمتر تعرضی به حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی مردم از دید بخش های جامعه ایران و جهان پنهان می ماند. مردم حق دارند در قرن بیست و یکم دسترسی آسان به اینترنت جهت تبادل اخبار و اطلاعات جاری داشته باشند و از این طریق از خود صیانت کنند. امضا کنندگان این بیانیه خواهان لغو تصویب طرح "صیانت از کاربران در فضای مجازی" هستند و بر حق برخورداری عموم مردم از دسترسی به اینترنت جهانی اصرار می ورزند. امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار

شهرها، جمهوری اسلامی اقدام به قطع اینترنت کرد تا مانع انعکاس صدای مردم معترض در سطح جامعه و رسیدن آن به گوش جهانیان شود. در ادامه این اقدام سرکوبگران حکومت قصد اجرایی کردن طرح موسوم به "صیانت از کاربران در فضای مجازی" را دارند و هدف این طرح بر خلاف نام غلط انداز آن خارج کردن اینترنت از دسترس عموم مردم و جایگزین کردن شبکه حکومتی موسوم به شبکه ملی اطلاع رسانی و تحت کنترل در آوردن مراودات اجتماعی مردم است.

این موضوع با اعتراض بسیاری از سوی بخش های مختلف مردمی روبرو شده است. کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضاتشان با شعار حامی مفسد هستند از اینترنت می ترسند صدای اعتراض خود را علیه این اقدام بلند کردند و این اقدام را نقض آزادی مردم

مقابل فرمانداری که در آن می ایستیم و از خواسته هایمان میگوئیم. جلوی مصلا و جای دیگر سنگر ما نیست و خواهش میکنیم که اعتراضات ما را به بیراهه نکشید. از اعتراضات هفت تپه سوء استفاده نکنید. محمد امیدوار یکی دیگر از نمایندگان نیز سخنرانی کرد و در سخنانش به حمایت های بخش های مختلف مردم از خواسته های به حق کارگران اشاره کرد.

شعارها: "خوزستان بیچاره، مسئول خوب نداره"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "مرگ بر اسد بیگ، درود بر کارگر"، "دشتکی حیا کن، خوزستان را رها کن".

بیانیه ۲۵ گروه و نهاد کارگری و اجتماعی علیه طرح کنترل و محدود کردن اینترنت

با گسترش خیزش مردمی در خوزستان و تکثیر آن در دیگر

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL **دوآدمر**
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

این جسارت را بی پاسخ نگذاریم!

هنوز جوهر حکم دادگاههای دیپلمات- تروریستهای اعزامی خامنه‌ای در دادگاههای اروپا خشک نشده است.

هنوز دادگاه حمید نوری قاتل و پامنبری رئیسی جلاد در سوئد در جریان است!

در ایران روزمره ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر در مملکت تحت حاکمیت او‌باش اسلامی کشتار میشوند! روز مره معترضان به بی‌آبی، بی‌نانی و بی‌تامینی در جامعه اسلام زده در کوچه و خیابان تیرباران میشوند! روزمره زن ستیزی کودک آزاری و از کار افتادگی و لاذرشتگی قربانی میگیرد!

روزمره فریاد اعتراض، صفوف متحد کارگران، زنان، پیر و جوان و از همه مشاغل خواب راحت را از چشم سلاخان و دزدان حاکم ربوده است!

جامعه‌ای در حال انفجار و دفع پسماندهای تاریخی جهل و جنایت بشری ایست!

جامعه‌ای انسانی بپا خواسته و تدارک انقلاب و رهایی را میبیند.

آنوقت اعلام میشود که "انریکو مورا" نماینده اتحادیه اروپا قرار است در مناسک مسخره تحلیف رئیسی سلاح شرکت کند و مهر تأیید بین‌المللی بر وورونده سیاه بقای این نظام بزنند و به معامله و کسب و کار کثیفی که در چهارگوشه جهان به آن مشغولند رونق دهند!

سکوت نخواهیم کرد! اعلام همکاری اتحادیه اروپا با رژیم ضد بشری اسلامی تف کردن بر تمام ادعاها و یاوه‌گویی‌های به اصطلاح حقوق بشری اتحادیه اروپاست! تأیید آشکار اعدام مخالفین، ترور در اروپا، زن ستیزی و انسان ستیزی، کشتار مسافران بیگناه، دستگیری کارگران و اقدامات هرروزه نظام اسلامی در ایران است.

این عمل اتحادیه اروپا پشت کردن به تمام موازینی ایست که مردم اروپا به زور به امثال اینها تحمیل کرده‌اند! به رسمیت شناختن امثال هیتلرها و خامنه‌ای‌ها و همکاری با آنهاست و بر همین مبنا جناح حاکم بر اتحادیه اروپا قضاوت و محکوم میشود.

ما اتحادیه‌های کارگری، نهادهای مدافع حقوق زنان، کودکان، مخالفین حکم اعدام و تروریسم و کلیه نهادهای ضد دیکتاتوری را به اعتراض فرا میخوانیم.

سفر Enrique.MORA (انریکو مورا) را بهر شکل ممکن محکوم کنیم!

کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۴ اوت ۲۰۲۱